

مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران

سید جلال محمودی^۱، مصطفی ازکیا^۲، میثم موسایی^۳

چکیده

تعرفه‌گذاری کالای وارداتی و رابطه آن با توسعه اقتصادی در ایران از موضوعات اقتصادی می‌باشد که دارای زمینه‌ها و پیامدهای اجتماعی گوناگونی است. این مقاله تحقیقی کیفی با استفاده از روش نظریه بنیانی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته است که با روش نمونه‌گیری هدفمند به بررسی پیامدهای اجتماعی تعرفه‌گذاری کالای وارداتی از دیدگاه کارشناسان گمرک ایران پرداخته است. در این روش با کدگذاری ۲۰ مصاحبه با مشارکت کنندگان اشباع نظری حاصل گردید. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، استنباط نظری محقق بر این است که شرایط علی ناشی از زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران مانند نوسانات تعرفه‌ای، تعدد متولیان تجارت و ... با مداخله‌گری عناصری چون زمانمند نبودن حمایت‌های دولتی و بی‌توجهی به تجارب سایر کشورها و راهبردها و تعاملات اتخاذ شده مقطعی و منفعلانه، بی‌توجه به معیارهای توسعه اقتصادی به پیامدهای اجتماعی همچون فساد اداری، دور زدن قانون، افزایش قاچاق، عدم رقابت‌پذیری کالای ایرانی، کولبری و ... منجر گردیده است.

واژگان کلیدی: تعرفه‌گمرکی، توسعه اقتصادی، پیامدهای اجتماعی، تئوری بنیانی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: Jalal.golpayegany@gmail.com)

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Mostafa_azkia@yahoo.com)

^۳ استاد گروه علوم برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران (Email: mousaee@ut.ac.ir)

مقدمه

بحث بر سر چگونگی تدوین و ارائه نرخ تعرفه موثر کالای وارداتی از طریق افزایش یا کاهش تعرفه ها و نقش آن در توسعه اقتصادی و حمایت از تولیدات صنعتی داخلی از دیر باز در اقتصاد ایران مطرح بوده و موافقان و مخالفان بسیاری در بین کارشناسان حوزه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، مدیران دولتی و صاحبان نظران دانشگاهی داشته است. تعرفه گمرکی^۱ زبان مشترک کلیه کشورهای عضو سازمان جهانی گمرک^۲ WCO در امور واردات، صادرات، بیمه و حمل و نقل است. در ادبیات اقتصادی، تعرفه، عوارض گمرکی مرتبط با واردات کالا است که برای کالاهای تولیدی داخل کشور نسبت به کالاهای وارداتی، مزیت قیمتی ایجاد نموده ضمن آنکه درآمد دولت را افزایش می دهد. «ارزیابی اتاق بازرگانی تهران^۳ نشان می دهد که ایران بیش از سایر کشورها از ابزار تعرفه ای برای حمایت از تولید محصولات داخلی خود استفاده می کند. میانگین موزون تعرفه گمرکی در ایران حدود ۱۵ درصد است، در حالی که در سایر کشورهای این رقم از ۷ درصد تجاوز نمی کند. این رقم در کشورهای ترکیه و مالزی حدود ۵ درصد و در آمریکا و ژاپن حدود ۲ درصد است» (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۲).

در واقع تصور می شود تعرفه های بالای گمرکی منجر به افزایش قیمت کالاهای وارداتی و نتیجتاً اقبال پایین جامعه به آن ها خواهد شد. در این راستا سیاست های اقتصادی کشور مزین به شعارهایی شده که گمان می رود تعرفه بالا منجر به مصرف کالای ایرانی و افزایش تولید آن کالا، اشتغال زایی خانوارها خواهد شد. به این منظور با محروم کردن جامعه ایران از پیشرفته ترین سطوح تکنولوژی مثلاً در صنعت خودرو سازی امید به آن می رود که در مقطعی با افزایش گاهاً ده ها درصدی تعرفه واردات خوددور از تعطیلی خودروسازان داخلی مانند ایران خودرو و سایپا جلوگیری نماید اما مشخص نیست این سیاست اقتصادی تا چه میزان در دراز مدت به رقابت پذیری کالای ایرانی در سطح ملی، منطقه ای و جهانی منجر خواهد شد.

در ایران سود بازرگانی و تعرفه های گمرکی بالا در راستای استراتژی توسعه صنعتی و جایگزینی واردات^۴، با خط مشی اصلی واردات ماشین آلات سنگین و وضع تعرفه های بالا جهت حمایت از صنایع داخلی می باشد که منجر به تفاوت فاحش قیمت کالاها در داخل و خارج شده و راه را بر قاچاق و سایر روش های غیر قانونی سوداگری که نتایج اجتماعی و اقتصادی زیانباری دارد گشوده است. سیاست جایگزین واردات در اوایل انقلاب با محوریت گفتمان خودکفایی به ایجاد موانع غیرتعرفه ای فراوانی منجر شد اما در دهه های اخیر به سیاست های تعرفه ای برای توسعه صادرات تغییر جهت داده است. «معمول ترین دلیل منطقی برای تعرفه ها حمایت از صنایع نوپاست. آلگزاندرو همیلتون^۵، نخستین وزیر خزانه داری ایالات متحد آمریکا به انتقاد از آموزه اقتصاد آزاد (عدم مداخله دولتی) و تجارت آزاد آدام اسمیت^۶ پرداخت. همیلتون از تعرفه مصوب ۱۷۸۹ حمایت کرد که تا حدی در حمایت از تولیدات صنعتی در کشور جوان او در مقابل رقابت خارجی در نظر گرفته شد» (نافزیگر / آزاد ارمکی، ۱۳۵۹: ۷۹۴).

پاره ای از سیاست های برون گرا در توسعه؛ آزادسازی را نوعی تعطیل صنایع داخلی می دانند اما مشخص نمی سازند تا کجا می توان با اعمال تعرفه ها از رقابت پذیری جهانی گریخت. تجربه کشوری چون هند که با اعمال تعرفه ۲۰۰ درصد خودرویی نتوانست صنایع خودروسازی خود را رقابت پذیر سازد تا زمانی که با آزادسازی اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی توانست به کشوری پیشرو در صادرات خودرو تبدیل شود. قبل از انجام اصلاحات اقتصادی در ۱۹۹۱ بالاترین نرخ تعرفه در هند ۲۰۰ درصد بود اما در سال ۲۰۰۱ حقوق گمرکی پایه^۷ تا ۳۵ درصد کاهش یافت. «این نتیجه سیاست باز اقتصادی مانموهان سینگ^۸ وزیر دارایی با هدف کاهش قیمت

¹ Customs Tarrif

² World Custom Organization

³ www.tccim.ir

⁴ Import substitution industrialization

⁵ Alexander Hamilton

⁶ Adam Smith

⁷ Basic Custom Duty

⁸ Manmohan Singh

ها، ایجاد رقابت در صنعت ارتباطات راه دور هند، جذب سرمایه خارجی و از بین بردن نظام مجوزگیری و فضای باز کسب و کار بود» (بهکیش: ۱۳۹۴، ۱).

سازمان توسعه تجارت ایران تغییرات تعرفه ای سال ۱۳۹۶ در ۲۸۲ ردیف را با افزایش دو برابری در برخی ردیف‌ها به منظور حمایت از تولید داخلی پیشنهاد داده است.^۱ «تعرفه‌های پیشنهادی جدید که به منظور حمایت از تولید داخلی از سوی سازمان توسعه تجارت افزایش یافته‌اند، یک روش ضد تولید داخلی است. شاهد مثال کشوری است که در خلال ۴۰ سال گذشته بالاترین نرخهای تعرفه را در جهان به اجرا گذاشته است و نه تنها تولید داخلی تقویت نشده بلکه در حال عقب نشینی دائمی بوده است. ایران و زیمباوه بالاترین نرخهای تعرفه را در جهان به اجرا گذاشته‌اند. شاید روزی این دو کشور بتوانند اعتیاد به کرک و هرویین و شیشه را در کشورشان مداوا کنند ولی بعید می‌دانم اعتیاد به تعرفه‌ها به این زودی‌ها زودده شود. تولید ۱۰۰ درصد داخلی نه معقول است و نه ممکن، در اقتصادی که تولید به واردات خارجی متکی است تعرفه مانعی دیگر بر سر راه تولید داخلی است. راه حمایت از اقتصاد ملی فقط و فقط از واقعی سازی نرخ ارز می‌گذرد و مقابله با انتظارات تورمی با کاهش تعرفه‌ها مقدور خواهد بود. سیاست‌های تعرفه‌ای و ارزی ایران و زیمباوه مانند راننده‌ای است که در بزرگراه دنده عقب گرفته است» (سعدوندی، ۱۳۹۶: ۲). حمایت از کالای داخلی با توسل به افزایش نرخ تعرفه‌ها علاوه بر آن که به هدف اصلی خود نرسیده بستری برای سو استفاده و رانت را فراهم می‌نماید تا جایی که وزیر بهداشت ایران در فرودین ماه سال جاری در پاسخ به انتقاد نمایندگان مجلس در خصوص حمایت از کالای ایرانی گفت: «در مجلس کسی نباید از شعار حمایت از تولید داخل سوء استفاده کرده و جنس بی کیفیت خود را دو برابر قیمت به مردم ارائه دهد».^۲ یکی از اثرات سیاست افزایش تعرفه‌ها پیامدهای اجتماعی و اقتصادی چون؛ افزایش سودآوری فعالیت‌های زیر زمینی اقتصادی و دور زدن مبادی رسمی ورود کالا به کشور تحت عنوان قاچاق است. بررسی آمارهای اعلامی در ابتدای سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد قاچاق^۳ کالا یکی از معضلات پیش روی اقتصاد ایران است که تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن سایر بخش‌ها را درگیر نموده، در این باره رئیس کل گمرک ایران در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا آمار واقعی قاچاق کالا از مبادی رسمی کشور را رقمی بین ۶۵۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار می‌داند.^۴ هر چند برخی از کارشناسان اقتصادی و مقامات مسئول در سازمان تعزیرات حکومتی در مصاحبه با مشرق نیوز این رقم را عددی بین ۱۲ تا ۱۵ و گاه تا ۲۵ میلیارد دلار نیز تخمین می‌زنند.^۵ رحمانی فضلی وزیر کشور در اسفند ماه ۱۳۹۶ با حضور در کمیسیون اقتصادی مجلس به میزان ۲۱ میلیارد دلاری قاچاق در گذشته اشاره کرد و گفت؛ در حال حاضر میزان قاچاق در حدود ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار محاسبه می‌شود که بیانگر این است که دولت حدود ۵۰ درصد در مبارزه با قاچاق موفقیت داشته است.^۶ همه گزارش‌های موجود صرف نظر از اختلاف در میزان آن دلالت بر وجود معطل قاچاق کالا در ایران دارد.

به این اوصاف این مقاله در پی یافتن و مطالعه زمینه‌ها و پیامدهای اجتماعی تعیین تعرفه کالاهای وارداتی در ایران است تا از این گذرگاه با رسیدن به یک نظریه بنیانی رابطه آن با توسعه اقتصادی در ایران را مورد واکاوی قرار دهد، زیرا تعرفه‌های گمرکی و میزان آن از مولفه‌های مهم اقتصادی در رابطه با توسعه می‌باشند و از این زاویه می‌تواند به روشن شدن میزان تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع داخلی و جلوگیری از قاچاق کالا و تبعات اجتماعی و اقتصادی آن بیانجامد. نظام تعرفه‌ای موجود اگرچه در قالب یک سیاست اقتصادی و تجاری حمایت‌گرا و با شعار محافظت از بنگاه‌های داخلی در فضای رقابت بین‌المللی اعمال می‌شود، اما پیامدهای اجتناب‌ناپذیری چون از بین بردن کسب و کار رقابتی و افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رفاه مصرف‌کنندگان و نهایتاً محدود شدن تولید داخلی، گسترش فساد اداری و قاچاق کالا را بدنبال داشته است. مساله بنیادی این تحقیق پاسخ به این پرسش

^۱<http://www.eghtesadonline.com>

^۲<http://www.saaalemnews.com/news/624>

^۳ Smuggling

^۴ www.irna.ir

^۵ www.mashreghnews.ir

^۶ www.isna.ir

ها با اتکا بر درک مشارکت کنندگانی هست که در خط مقدم در سازمان گمرک ایران به عنوان یکی از کنشگران اجتماعی ناظر و عامل در این عرصه اقتصادی فعالیت داشته و از مجریان نظام تعرفه کالاها در کشور می باشند.

پرسش های تحقیق

۱. چگونه پدیده ای اقتصادی چون تعرفه گذاری کالا به پیامدهای اجتماعی در سطح جامعه منجر می گردد؟
۲. پیامد های اجتماعی تعرفه گذاری کالای وارداتی چیست؟
۳. آیا نحوه تعرفه گذاری کالا در ایران مطابق با معیار های توسعه اقتصادی است؟

اهمیت موضوع

انفکاک ناپذیری ابعاد مختلف پدیده های اجتماعی، پیوند جامعه شناسی و اقتصاد را در جنبه های مختلف نشان می دهد. اسملسر^۱ در مقدمه کتاب جامعه شناسی زندگی اقتصادی می گوید؛ «برای درک و پیش بینی هر وجهی از زندگی اجتماعی توجه به موضوع های اقتصادی ناگزیر می نماید، همچنین جنبه های غیر اقتصادی زندگی اجتماعی نیز به سهم خود اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد» (اسملسر/کلاهی، ۵۰:۱۳۹۵). جامعه شناسی اقتصادی^۲ به مطالعه علل و اثرات اجتماعی پدیده های گوناگون اقتصادی می پردازد. جامعه شناسی و اقتصاد در محدوده هایی نظیر برنامه ریزی توسعه اقتصادی- اجتماعی، بویژه به هنگام پیش بینی موانع رشد و توسعه و بررسی شیوه های رفع آنها در حل مسائل و معضلات برنامه ریزی دارای حوزه کاری مشترک می باشند. مطالعات جامعه شناسی اقتصادی در ایران با اقبال عمومی بین جامعه شناسان مواجه نگردیده است؛ «تضعیف جایگاه علم تجربی جامعه شناسی ناشی از روی کار آمدن یک جریان اقتصادی نئولیبرال در ایران بعد از جنگ که معتقد به عدم دخالت دولت در اقتصاد و ترجیح فرد به جمع بود، همچنین غفلت جامعه شناسان ایرانی از اقتصاد و سرگرم شدن آنها به فلسفه و فرهنگ بوده است» (اباذری، ۱۳۹۴: ۳). بنابراین توجه جامعه شناسان به مطالعه در زمینه های مختلف اقتصادی برای پر کردن خلاءهای موجود تحقیقاتی در حوزه اقتصادی و توسعه، نشانگر اهمیت و ضرورت انجام این تحقیقات است.

نگاه از زاویه جامعه شناسی اقتصادی به موضوع اقتصاد توسعه و تلاش برای بررسی یکی از پرچالش ترین مقولات اقتصادی یعنی تدوین نرخ تعرفه کالای وارداتی در کشوری که در مسیر اجرای برنامه های توسعه ای حرکت می کنند، برای رسیدن به بنیان های نظری و کاربردی نیل به اهداف توسعه ای، گامی جدید در علمی سازی برنامه هاست، از آنجا که مطالعه حاضر فاقد سوابق منسجم و علمی در ایران بوده موضوعی است جدید که در بستر تئوریک جامعه شناسی توسعه به مسئله اقتصاد تعرفه و زیر بناهای جامعه شناختی آن می پردازد. مطالعه حاضر به نوعی «تحقیق توسعه ای»^۳ محسوب می گردد زیرا قصد دارد با انجام کاری خلاقانه و نظام یافته به توسعه ذخیره علمی دانش متولیان تصمیم گیری در زمینه تجارت بین الملل و طرح کاربردهای جدید در ایران یاری رساند» (ازکیا، ۱۳۹۳: ۲۹۰).

مدیران و متولیان امر نیازمند دسترسی جامع و علمی به آخرین تجربیات و نتایج اجرای سیاست ها در این زمینه هستند، دیگر زمان آزمون و خطای روش های اقتصادی و اتخاذ تصمیمات آنی که می تواند تبعات طولانی مدت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه ایران داشته باشد گذشته و زندگی در جهان امروز و در کنار اقتصادهای نوظهور نیازمند افزایش توان رقابت پذیری تولید و اصلاح طرز تلقی صحیح از آنچه باید در حال و آینده برنامه ریزی و عمل شود، ضرورت انجام پروژه های تحقیقاتی در این خصوص را نشان می دهد.

¹ Smelser

² Economic sociology

³ Development Research

پیشینه پژوهش، ادبیات نظری و تجربی موضوع

مرکانتلیسم^۱ اولین نظریه پردازان اقتصاد توسعه هستند که در سیاست گمرکی و تحصیل ثروت عقیده داشتند؛ «اگر کشوری قادر به تولید مواد خام در داخل نباشد باید بدون حقوق گمرکی این مواد را از خارج وارد کند. از طرفی، آنها طرفدار سیاست حمایتی از اقتصاد ملی بودند» (تفضلی، ۱۳۹۷: ۶۶). کلاسیک‌ها نیز با محوریت نظریات آدام اسمیت^۲ به اهمیت مبادله و تجارت توجهی خاص دارد. عصاره تفکرات اسمیت اصطلاحاتی نظیر «لیبرالیسم اقتصادی»، «آزادی اقتصادی» و یا «بگذار بشود، بگذار بگذرد»^۳، در قرن نوزدهم شهرت فراوانی یافت و مزیت‌های حاصل از مبادله را یادآور شد و منافع متقابل تجارت را بر اساس اصل مزیت مطلق مورد تأکید قرار می‌دهد. تجارت آزاد، تخصص و تقسیم کار بین المللی را سبب می‌شود، درآمد جهانی را افزایش و بهترین استفاده از منابع در سطح بین المللی را ممکن می‌سازد. در واقع توسعه صادرات و واردات، فضای بیشتر و فرصتهای جدیدتری برای انباشت سرمایه داخلی و ظهور خلاقیتها و نوآوریها فراهم می‌کند» (متوسلی؛ ۱۳۹۶: ۱۶۷).

نظریه پردازان نوکلاسیک یا نئولیبرال راه رسیدن به رشد اقتصادی بیشتر و در نتیجه سطوح بالاتر سلامتی و رفاه را از طریق کاهش دخالت دولت و دادن اجازه به بازار برای تعیین قیمت‌ها و دستمزدها می‌دانند. «جان تویه»^۴ (۱۹۹۳) این تغییر جهت در نظریه توسعه را به عنوان «صدانقلاب» توصیف کرد که یکی از رهیافت‌های آن؛ کاربرد گسترده‌ی کنترل‌های اقتصادی مانند تعرفه‌ها، یارانه‌ها و سهمیه‌ها که قیمت‌ها را غیر واقعی می‌کند. بالاسا^۵ (۱۹۷۱) با به کارگیری تجربه‌های چهار کشور آمریکای لاتین و پنج کشور آسیایی، به بررسی نقش دولت در تشویق رشد اقتصادی از طریق صنعتی شدن تحت حمایت موانع تعرفه‌ای پرداخت. برای دوره ۶۰-۱۹۵۰ او استدلال کرد که نرخ‌های رشد در کره و تایوان بسیار بالاتر از هفت کشور دیگر بود که دلیل عمده‌ی آن اتخاذ راهبرد صادراتی تولید معطوف به بیرون بود. آن‌ها رهیافت غیر حمایتی را پذیرفتند که اسمیت در سده‌ی هجدهم توصیه کرده بود. «کشورهایی که از راهبردهای توسعه متمایل به بیرون استفاده می‌کردند در زمینه صادرات، رشد اقتصادی و اشتغال بازده بالایی داشتند، در حالیکه کشورهایی که راهبردهای متمایل به درون را ادامه می‌دادند، با مشکلات بیشمار اقتصادی مواجه شدند» (بالاسا، ۱۷: ۱۹۸۱). یکی از مکاتب تأثیرگذار در بحث تعرفه‌ها مکتب اکلا^۶ است؛ «طبق تفسیر اکلا راهبردهای توسعه‌ی ملی باید شامل مداخله‌ی دولتی بیشتر در حمایت از صنایع ملی باشد تا به آن‌ها اجازه دهد خود را بدون رقابت با بنگاه‌های خارجی دایر کنند. آنچه راهبرد «صنعتی شدن جانشین واردات»^۷ نام گرفته بود در تعدادی از کشورها در سراسر آن منطقه با برخی موفقیت‌های اولیه پیاده شد. نتایج این راهبرد شامل ایجاد موانع تعرفه‌ای و حمایت از صنایع کارخانه‌های ملی در برابر بنگاه‌های خارجی کارآمدتر بود. بنگاه‌های مذکور توانستند محصولات خویش را ارزانتر بفروشند. افزودن تعرفه بالاتر بر واردات به این معنا بود که قیمت کالای شرکت‌های خارجی افزایش می‌یافت و در نتیجه بنگاه‌های بومی اجازه رقابت می‌یافتند» (ویلیس/جاگرمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۴).

«پربیش»^۸ از بنیانگذاران اکلا به این نتیجه رسید که توسعه نیافتگی آمریکای لاتین بخاطر تأکیدش بر صادرات مواد اولیه بوده و راه حل آن تغییر ساختار است؛ یعنی صنعتی شدن با استفاده از راهبرد جایگزینی واردات (یعنی جانشین کردن تولید داخلی به جای واردات صنعتی با اعمال تعرفه حمایتی^۹) و درآمد ناشی از صادرات مواد اولیه برای هزینه کردن واردات کالاهای سرمایه‌ای^{۱۰} به کار افتد، بعلاوه نظارت دولت بر صنعتی شدن و ثبت شرکت‌های خارجی بطوریکه این عوامل به شروع دادوستد محلی کمک کنند. این

¹ Mercantilism

² Adam Smith

³ Laissiz-fair & Laissez-passer

⁴ J, Toye

⁵ Bela Balassa

⁶ Economic Commission Of Latin America (ECLA)

⁷ Import Substitution Industrialization

⁸ R, Prebisch

⁹ Tariff protection

¹⁰ Capital goods

رهیافت بطور گسترده در آمریکای لاتین و احتمالاً در جهان سوم پذیرفته شد و در ابتدا به خاطر رشد سریع صنعت نتایج مؤثری به جای گذاشت. با این حال، با گذشت زمان سیاست جایگزینی واردات با هزینه های بالا و تولیدات صنعتی با کیفیت نازل، غفلت از کشاورزی که منجر به تخریب اقتصادی آن و بالاخره سرازیر شدن سرمایه های خارجی همراه شد. عبارت دیگر درمان به عنوان عامل بیماری مطرح شد (پیت / از کیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۰).

پس از آن تحولات در عرصه نظریات اقتصاد توسعه به دیدگاه های مبتنی بر جهانی سازی رسیده است؛ «جهانی سازی منافع عظیمی چون موفقیت آسیای شرقی، به خصوص به خاطر استفاده از فرصت های تجاری و دسترسی بیشتر به بازارها و دانش های فنی را به دنبال داشته است» (استیگلن / گلریز، ۱۳۸۲: ۲۶۱). «در درازمدت، تجارت آزاد بین المللی منبعی برای رشد است. تجارت بین المللی در صورتی آزاد است که میانگین نرخ تعرفه زیر ۴۰ درصد، میانگین سهمیه و صدور مجوز برای پوشش واردات کمتر از ۴۰ درصد، تفاوت نرخ ارز بازار سیاه کمتر از ۲۰ درصد باشد» (بالدوین^۱، ۲۰۰۳).

«مطالعه دفتر ملی تحقیقات اقتصادی در خصوص پانزده کشور کم تر توسعه یافته نشان می دهد که ترویج صادرات عموماً مؤثرتر از جایگزینی فوق العاده حمایتی واردات در گسترش ستانده و اشتغال است. سیاست های نگاه به درون برای کشورهای کم تر توسعه یافته پرهزینه بوده، وابستگی آن ها را به صادرات اندک و به حمایت و قدرت انحصار سرمایه خارجی افزایش داده است» (نافزیگر / آزاد ارمکی، پیشین: ۸۱۴-۸۱۳).

هر چند تا کنون پژوهش کیفی در زمینه تعرفه های گمرکی در ایران از منظر جامعه شناسی توسعه انجام نگرفته است، در اینجا برای تدقیق در ابعاد موضوع به برخی از تحقیقات کمی پیشین در زمینه تعرفه های گمرکی در ایران و جهان اشاره می شود؛

■ نوید بدری (۱۳۹۰) در مطالعه ای به بررسی تاثیر تعرفه های گمرکی بر روی رقابت پذیری صنعت قطعه سازی خودرو در شرکت سایکو پرداخته و تأثیر تعرفه های گمرکی به عنوان یکی از ابزارهای حمایتی بر روی رقابت پذیری صنعت قطعه سازی خودرو را مورد مطالعه قرار داده است. بدین جهت چهار متغیر کیفیت، بهره وری، بهبود تکنولوژی و سهم بازار صنعت قطعه سازی انتخاب گردیده و سپس تاثیر تعرفه های گمرکی بر روی این متغیرها، با استفاده از پرسشنامه ای که بین کارکنان و نخبگان صنعت توزیع گردید سنجیده شد. سپس نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش تحلیل رگرسیون خطی تحلیل شده است. نتایج نشان دهنده عدم ارتباط بین تعرفه های گمرکی و بهره وری است. همچنین مشاهده می شود که بین تعرفه های گمرکی و کیفیت و بهبود تکنولوژی ارتباط ضعیف و ناچیزی وجود دارد. اما تعرفه های گمرکی بر روی سهم بازار صنعت قطعه سازی بسیار موثر است. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد شده تا در وضع سیاستهای حمایتی تجدید نظر گردد و این حمایتها به سمت فعالیتهایی نظیر کمک به تحقیق و توسعه و تقویت زیرساختهای فنی و اقتصادی سوق داده شود.

■ مداح و پژویان (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان بررسی اقتصادی قاچاق در اقتصاد ایران به ارائه یک مدل نظری برای قاچاق کالا می پردازند. در این مقاله با استفاده از مدل شاخص های چندگانه و علل چندگانه MIMIC^۲ اندازه قاچاق کالا را در دوره زمانی (۸۱-۱۳۴۹) برای ایران به دست آورده اند. در این مقاله علاوه بر معرفی یک مدل نظری برای قاچاق مدلسازی تجربی متناسب با آن نیز برای برآورد اندازه قاچاق در یک سری زمانی صورت گرفته است. آنها با در نظر گرفتن مجموع نرخ ارز رسمی و تعرفه به عنوان هزینه واردات رسمی و نرخ ارز در بازار سیاه به عنوان هزینه قاچاق کالا به تعریف تابع سود مورد انتظار برای عمل قاچاق می پردازند. نتایج حاصل از این تخمین نشان می دهد، با افزایش موانع تجارتمی مانند تعرفه هزینه واردات رسمی بالا می رود و به دنبال آن انگیزه برای تجارت غیر قانونی که معاف از سیاست های محدودکننده

¹ R, Baldwin

² Multiple-Indicators Multiple Causes

تجاری است افزایش می یابد که این امر با انگیزه حداکثرسازی سود از سوی عاملین قاچاق از طریق فرار از قوانین و مقررات تجاری با پاسخگویی به تقاضای داخلی انجام می گیرد. نتایج بررسی ها نشان می دهد که نرخ جریمه و تعرفه از مهمترین عوامل توضیح دهنده روند قاچاق در طی این دوره بوده و اثر قاچاق بر شاخص قیمت کالاهای وارداتی از اثر آن بر درآمدهای عمومی واقعی دولت شدیدتر است.

■ سمیه نعمت اللهی (۱۳۹۰) در مطالعه ای خود با عنوان نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران، فرار مالیاتی در اقتصاد غیر رسمی ایران را بررسی نموده است که در آن افراد و عوامل تجاری با فرار از پرداخت مالیات، حقوق قانونی خود را به دولت پرداخت نمی کنند. عوامل متعددی بر روی فرار مالیاتی موثرند، از آن جمله می توان به تعرفه های وارداتی و مالیات بر واردات اشاره کرد. از سوی دیگر در صورتی که تجار و بازرگانان کالای خود را به مراجع گمرکی اظهار نکنند یا مالیات و عوارض متعلقه را پرداخت نکنند، مرتکب نوعی عمل قاچاق شده و از این طریق فرار مالیاتی صورت می گیرد در این تحقیق با استفاده از داده های تابلویی به بررسی اثر افزایش نرخ تعرفه بر روی فرار مالیاتی بر اساس داده های ۶ رقیمی در طبقه بندی هارمونیک سیستم در واردات ایران در دوره (۲۰۰۸-۲۰۰۳) پرداخته شده است. فرار تعرفه ای به صورت تفاوت میان ارزش صادرات گزارش شده به ایران توسط ۱۲ شریک مهم تجاری و ارزش واردات گزارش شده از شرکای تجاری توسط ایران طی سال های مورد بررسی تعریف شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل های فرار مالیاتی رابطه مستقیم و معنی دار میان فرار مالیاتی و نرخ تعرفه را تایید می کند نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می دهد که افزایش ۱ درصدی نرخ تعرفه که جزئی از مالیات های غیرمستقیم می باشد، فرار مالیاتی را در کل به اندازه ۰٫۶۷ درصد افزایش می دهد. ضریب نرخ تعرفه برای نرخ تعرفه بالاتر از میانگین ۰٫۰۸ می باشد و در سطح ۱ درصد معنادار است، این بدان معنی است که هر ۱ درصد افزایش در نرخ تعرفه باعث افزایش ۰٫۸ درصد در سطح شکاف تجاری که به عنوان شاخصی از فرار مالیاتی در نظر گرفته شده است، می شود. در حالتی که نرخ تعرفه پایین تر از میانگین است این ضریب مثبت اما بی معنی می باشد.

■ دین^۱ و همکاران (۱۹۹۴) رفتار مالیات بر واردات را (به صورت درصدی از کل واردات) قبل و بعد از انجام اصلاحات تجاری مورد بررسی قرار داده اند. نتایج در اکثر موارد، حاکی از آن است که به دنبال سیاست های آزادسازی، رشد واردات افزایش یافته است. اما به طور قطع نمی توان بر یک رابطه محکم بین آزادسازی تجاری و رشد واردات، آن هم بر پایه کاهش تعرفه های وارداتی تاکید نمود؛ زیرا بعضی از کشورها، روش های متفاوتی را در فرایند اصلاح پذیرفته و موانع غیرتعرفه ای فرآوری تجارت نیز توانسته است بر رشد واردات مؤثر واقع شود. به علاوه در برخی کشورها در جهت حذف موانع غیرتعرفه ای، معادل تعرفه ای این موانع را به تعرفه های قبلی افزوده اند و در مجموع تعرفه های وارداتی افزایش یافته است.

■ فیسمن^۲ و وی^۳ (۲۰۰۴) به تخمین اثر نرخ مالیات روی فرار مالیاتی به وسیله تخمین ارتباط بین برنامه های تعرفه ای در چین و شکاف فرار پرداخته اند، که این شکاف به وسیله اختلاف صادرات گزارش شده توسط هنگ کنگ به چین و واردات گزارش شده توسط چین از هنگ کنگ تعریف می شود. در غیاب فرار مالیاتی گزارش های هر دو کشور از واردات و صادرات باید یکسان باشد. نتایج این محاسبات نشان می دهد یک درصد افزایش در نرخ مالیات باعث افزایش ۳ درصدی فرار مالیاتی می شود. این همبستگی منفی بین شکاف تجاری و نرخ مالیات بر این امر دلالت می کند که فرار مالیاتی در

¹ Dean

² Fisman

³ Wei

گروه کالاهایی که نرخ مالیات بالاتری دارند، نسبت به کالاهایی که نرخ مالیات پایین تری دارند، بیشتر رخ می دهد. در این مقاله داده ها برای صادرات و واردات در سطح کالاهای ۶ رقمی در سیستم هارمونیک HS انتخاب شده اند.

■ میرشا، سابرامانین^۲، تاپالووا^۳ (۲۰۰۸)، اثر سیاست های تعرفه ای را بر روی فرار از حقوق گمرکی با اعمال قوانین تجاری در هند در دهه ۱۹۹۰ به وسیله به کارگیری تغییر در نرخ تعرفه در طول زمان و تولیدات متفاوت بررسی می کند. این مطالعه یک چهار چوب ساده برای ارتباط بین فرار مالیاتی، نرخ تعرفه و اعمال قوانین در یک تحلیل تجربی ارائه می دهد. این چهارچوب به ویژه برای تحلیل اثر اعمال قانون بر روی کسش فرار مالیاتی مؤثر است. در این مدل یک بنگاه را که یک مقدار ثابتی در واردات دارد به عنوان نمونه در نظر گرفته است. مهمترین نتیجه به دست آمده در این مقاله را می توان این طور بیان نمود که با افزایش حدود ۱٪ در نرخ مالیات حدود ۰/۱ درصد افزایش در فرار مالیاتی به وجود خواهد آمد.

روش اجرای تحقیق

این مطالعه، پژوهشی کیفی با روش نظریه بنیانی^۴ است. «در این روش، بر مصاحبه و مشاهده برای تولید داده های تجربی، جذب پژوهشگر در میدان پژوهش، جلب اعتماد افراد مورد بررسی و بکارگیری هر گونه روش مناسب برای جمع آوری اطلاعات تأکید می شود» (از کیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۹-۸). در این تحقیق با تبعیت از اصول نظریه بنیانی تلاش نمودیم تا حد امکان به موضوع تحقیق نزدیک شویم، هدف، آغاز یک سفر اکتشافی بود به این معنی که بدون یک ایده کلیشه ای و ثابت به سوی میدان تحقیق گام برداشتیم و در جریان پژوهش توانستیم ابعاد مختلف موضوع را از دیدگاه مشارکت کنندگان در تحقیق که همان مصاحبه شوندگان ما بودند مورد کنکاش قرار دهیم.

مطالعه اولیه این تحقیق با یک پرسشنامه باز که دارای ۱۷ سوال مختلف از حوزه های مورد نظر مرتبط با موضوع، که همگی از پیشینه نگاشته ها، تحقیقات قبلی و نظریه های جامعه شناسی اقتصاد و توسعه استخراج شده آغاز گردید. این سوالات در طول تحقیق بارها مورد بررسی مجدد از طریق طرح پرسش های جدید قرار گرفته است. در این مطالعه سوالات در زمینه ابعاد اجتماعی، نرخ تعرفه کالای وارداتی و رابطه آن با توسعه اقتصادی مطرح و به بررسی ابعاد موضوع پرداخته شد. از مشارکت کنندگان خواسته شد نظرات خود را در قالب مصاحبه اعلام نمایند. نسخه های مختلفی از سوالات در زمان انجام پژوهش ایجاد شد به این صورت که در ابتدا سوالات اصلی تحقیق پرسیده شد پس از آن در جریان انجام مصاحبه ها سوالات جدید تری ایجاد و پرسیده شده تا جایی که به مفاهیم مورد نظر از باب اشباع نظری دست یافتیم.

پس از انجام مصاحبه ها داده های خام حاصل از آن پدیدار گشت که فضای گفتگویی قالب در موضوعات و مباحث مطرح شده در مصاحبه ها را به ما نشان می دهد. در این تحقیق از مصاحبه، گزارشات دوره ای سازمان گمرک و مشاهدات میدانی محقق در طول تجربه کاری در سازمان گمرک ایران استفاده شده است.

مصاحبه ها بصورت نیمه ساختاریافته که از رایج ترین شیوه های جمع آوری داده ها بوده و عمومیت بیشتری دارد استفاده شده است، ما با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به مشارکت کنندگان آزادی عمل بیشتری برای هدایت جریان گفتگو دادیم در این میان محقق با استفاده از تجربه کاری خود در جامعه مورد مطالعه به عنوان یکی از اعضاء به مطالعه عمیق در میدان، همراه با مشارکت کنندگان پرداخت تا به این صورت به روایت های مستقیم و تجارب دست اول آنها از پدیده مورد نظر دست یابد. در این راستا محقق با توجه به شناخت قبلی خود از جو حاکم بر سازمان و کارکنان آن در صحبتی مقدماتی با مشارکت کنندگان نسبت به موضوع تحقیق و ابعاد و چرایی آن توضیحات لازم را داده و با ذکر این نکته که نتایج تحقیقات و مصاحبه های انجام شده بصورت

¹ Mishra

² Subramanian

³ Topalova

⁴ Grounded Theory

کد و بدون ذکر نام آنها منتشر خواهد شد و تمامی اسامی نزد محقق محفوظ خواهد ماند، آنها می‌توانند بدون هیچ بیم و هراسی پاسخ‌های خود را اعلام نمایند و روایت‌های دست‌اول و تجربیات خود را از موضوع با محقق در میان گذارند. نکته بسیار حایز اهمیت در روند جلب اعتماد افراد جو صمیمانه ایجاد شده‌ای بود که منجر شد حقایق بدون سانسور مطرح شود لذا بدین صورت موفق به جلب اعتماد آنها و شروع کار گردید. پس از این اعتماد سازی، این بخش با مجموعه‌ای از پرسش‌ها و مباحث تدوین شده به جای پرسش‌های دقیق و منظم و کاملاً از پیش تعیین شده، فهرستی از آنچه که باید مورد بررسی و پرسش قرار گیرد به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد و با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان و به جهت صرفه‌جویی در زمان و دقت بیشتر، مصاحبه‌ها ضبط شدند سپس فایل‌های صوتی بصورت دقیق تایپ و ذخیره گردید. مصاحبه‌ها در محل کار افراد در ساعات ابتدایی شروع کار اداری یا ساعت استراحت که افراد فراغت کافی برای تمرکز روی مفاهیم و موضوعات داشته باشند صورت گرفت چرا که به نظر می‌رسید بودن در جو و اتمسفر سازمانی می‌تواند مباحث را از خاطره‌گویی و حاشیه‌ها به سمت نگاه‌های تخصصی و کارشناسانه سوق دهد. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامید. بازده زمانی انجام مصاحبه‌ها از زمستان ۱۳۹۷ آغاز و تا تابستان ۱۳۹۸ ادامه داشت. در این پژوهش از یادداشت برداری به عنوان یکی از فنون اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شده است. مکان پژوهش حاضر که تامین‌کننده شرایط مورد نظر باشد سازمان گمرک ایران و ادارت گمرکات اجرایی واقع در تهران می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در این طرح تحقیقی شامل ۲۰ نفر از کارشناسان گمرک هستند که انتخاب آنها بر اساس سوابق شغلی و تحصیلی و شامل افرادی بوده که در حوزه تخصصی گمرک و مسائل مربوط به تعرفه‌ها و ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن آشنایی کامل و تجربه‌های مرتبط کاری لازم را داشته‌اند و مشخصات آنها در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

جدول (۱): مشخصات مشارکت‌کنندگان

فراوانی	متغیرهای زمینه‌ای	
۹	۳۰-۴۰	گروه‌های سنی
۱۰	۴۰-۵۰	
۲	کاردانی	تحصیلات
۸	کارشناسی	
۹	کارشناسی ارشد	
۱	دکتری	

در این مطالعه محقق از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری بهره‌برداری نموده است. برای گزینش افراد مورد مصاحبه از نمونه‌گیری هدفمند و برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل مناسب داده‌های مورد نظر و یافتن مسیر پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان از کارشناسان گمرک و از همکاران سازمانی محقق بودند که این آشنایی با محیط زمینه‌مناسبی برای گزینش گردید. در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر بدنبال مقولات بیشتر، در گستره‌ای از زمینه‌های مرتبط، به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت نمود. پس از آن که مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از میان کارکنان با سابقه گمرک ایران انتخاب شدند، با انجام مصاحبه‌ها و کدگذاری اولیه، مشخص گردید متغیر تجربه کاری عامل مهمی در یافتن مفاهیم مورد نظر است لذا با استفاده از نمونه‌گیری نظری از آنها خواسته شد بر اساس سوابق و تجربیات خود به سوالات بصورت آزادانه و فارغ از چهارچوب آنها پاسخ دهند و روایات خود را از آنچه در جریان است مطرح نمایند و در مواردی نیز مشارکت‌کنندگان افرادی که در حوزه مربوط به تعرفه‌ها و صادرات و واردات تخصص و تجربه بیشتری داشتند را معرفی می‌نمودند تا محقق بتواند با آنها نیز گفتگو کند و زوایای موضوع را بررسی بیشتری نماید. همچنین مشارکت‌کنندگان بر اساس پاسخ‌هایی که به برخی سوالات اولیه دادند به دو گروه مجزا تقسیم و سوالاتی از مصاحبه‌های اولیه طرح و مجدداً پرسش‌ها با گروه دیگر بر اساس مفاهیم حاصل شده از مصاحبه‌های پرسیده شد و بدین صورت از تکرار سوالات مشابه جلوگیری گردید. هر چند انجام کار تا حدی سخت و زمان‌بر بود اما منجر به جمع‌آوری داده‌های لازم شد. این شیوه موجب برانگیختن حس اعتماد بین عاملین تحقیق بود و این اطمینان موجب گردید

مشارکت کنندگان بدون ترس از تبعات پاسخگویی صریح اعلام نظر نموده و تجارب خود را در خصوص موضوع تحقیق به اشتراک گذارند. استفاده از دو شیوه نمونه گیری توانست به کشف مفاهیم و مقولات جدیدتر و رهایی از تکراری بودن سوالات یا پاسخ های مشابه منجر و کار را به انجام مصاحبه های بهتر و در نهایت کشف داده های جدیدتر رهنمون سازد. جمع آوری داده ها تا هنگامی که مقوله های اصلی ظاهر شوند، ضروری است. «بنابراین نمونه گیری نظری تا هنگامی که مقوله ها به اشباع نظری^۱ برسند، ادامه خواهد یافت. اشباع ارتباط نزدیکی با حجم نمونه دارد. اشباع عبارت است از اینکه داده های جمع آوری شده، تکرار داده های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی حاصل نشود» (همان: ۶۴).

«در پژوهش کیفی، نمونه گیری آنقدر ادامه می یابد تا اشباع نظری حاصل شود. به عبارت دیگر، گردآوری اطلاعات تا زمانی ادامه می یابد که افزایش اطلاعات به ایجاد مفاهیم، مقولات، خرده مقولات و تنوع های جدید منجر نشود. با اینکه ممکن است هرگز اطمینان صددرصد حاصل نشود، اما پژوهشگر آنقدر نمونه گیری می کند تا خود و خوانندگان متقاعد شوند که همه نکات مورد توجه قرار گرفته است» (محمدی، ۷۲: ۱۳۸۷). از آنجا که معیار مشخص و کمی چه در بعد تعداد مشارکت کنندگان و چه در بعد جمع آوری داده ها برای سنجش اندازه نمونه در روش تئوری بنیانی وجود ندارد بنابراین با تکیه بر اشباع نظری داده ها که آن هم از قوی بودن اطلاعات جمع آوری شده و تجارب محقق در طول انجام تحقیق ناشی شد، توانستیم اندازه نمونه را تعیین نماییم. بدین صورت که در فرایند تحقیق پژوهشگر به این درک رسید که ادامه مصاحبه ها به کشف مفاهیم جدید و غیر تکراری منجر نمی گردد در اینجا با تبحری که شخص محقق، در جریان کار پیدا کرد همچنین با آشنایی او با موضوعات، این رویه تا آخرین مشارکت کننده ادامه یافت تا به اطمینان از حصول اشباع نظری منجر گردید، این اتفاق زمانی افتاد که محقق به این نتیجه رسید که پاسخ ها بسیار شباهت یافته و به تکرار مکررات در مصاحبه ها منجر شده است و دیگر کشف جدیدی از مفاهیم روی نخواهد داد و به بسندگی تعداد مصاحبه ها رسید این اتفاق در مصاحبه با پانزدهمین مشارکت کننده حادث شد لیکن به جهت اعتبار سنجی اقدامات تعداد دیگری مصاحبه برای اطمینان انجام دادیم. سرانجام این تحقیق با مصاحبه با ۲۰ نفر از مشارکت کنندگان که اندازه نمونه ما را تشکیل دادند به اشباع داده ها رسید.

روش نظریه بنیانی شامل سه نوع کدگذاری می شود؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

در این پژوهش پس از استخراج داده های خام از مصاحبه ها و کدگذاری سطر به سطر آن، مقوله های ابتدایی نمایان شد. این مرحله با کدگذاری جملات و پاراگراف ها صورت گرفت و به هر مفهوم در جریان مصاحبه برجسی الصاق و بر اساس خصوصیات و ویژگی های هر مفهوم تعداد بسیاری کدهای باز و خام پدیدار گشت در ادامه انجام کدگذاری باز، مفاهیم و مقولات فرعی ظاهر گردید. «با تعیین مفاهیم و مقولات، مرحله کدگذاری باز پایان می یابد. در این زمان، پژوهشگر مقولاتی دارد که باید آنها را در نظمی منطقی برای تولید نظریه قرار دهد. کدگذاری محوری فرایندی است که مقوله های اصلی و فرعی آنها بسط می یابند» (اشتروس^۲ و کوربین^۳، ۱۹۹۰: ۹۹).

در مرحله کدگذاری محوری همه مقولات حاصل از تحقیق در شش بعد مورد تحلیل قرار می گیرد؛ مدل پارادایمی شامل « شرایط علی^۴، «پدیده^۵»، «زمینه^۶»، «شرایط مداخله گر^۷»، «راهبردها/ تعامل^۸» و «پیامدها^۹» می باشد. به عنوان مثال در این تحقیق از میان

¹ Theoretical Saturation

² Strauss

³ Corbyn

⁴ Causal conditions

⁵ Phenomenon

⁶ Context

⁷ Intervening conditions

⁸ Action strategies

⁹ Consequences

داده ها بر اساس کدگذاری باز، پدیده بسترهای فساد ساز اداری که یک رویداد یا یک واقعت است (پدیده) که در گمرک (زمینه) به دلیل تأثیرات شرایط کاری همچون اعمال تعرفه های بالای گمرکی و وجود موانع تجاری (شرایط علی) و شرایط ناشی از اجرای برنامه های توسعه و دخالت های دولتی در عرصه اقتصاد (شرایط مداخله گر) پدیدار شده است و به راهبردها و تعاملاتی چون، استفاده از گمرک الکترونیکی، تغییر مداوم قوانین و بخشنامه ها و تغییر تعرفه ها اجرا شده (راهبردها/تعامل) که به پیامدهایی چون افزایش پرونده های فساد در محاکم قضایی، کولبری و قاچاق (پیامدها) منجر شده است. در اینجا محقق دوباره با طرح سوالاتی از خود و رجوع به داده ها، انتخاب مقوله محوری را آسانتر می کند سوالاتی چون؛ این مفاهیم و مقولات چه اطلاعاتی به من می دهند؟ یا چه اقدامات و تعاملاتی از سوی کارکنان یا سازمان در داده ها مورد توجه واقع شده است؟ محقق با یکپارچه سازی مقوله ها بدنبال تکمیل نظریه نهایی تحقیق و تعیین مقوله مرکزی است.

محقق در این مطالعه برای عینیت بخشی به داده ها از استراتژی های مختلفی استفاده نموده است از آن جمله می توان به استراتژی مدون اعتبار بخشی به تحقیق، استراتژی پذیرش در بین مصاحبه شوندگان و مقبولیت بین آنها، بررسی مداوم محیطی و گفتگو با کارکنان گمرک بصورت چهره به چهره، در واقع عضویت محقق در سازمان و آشنایی محیطی تأثیر مطلوبی در جلب اعتماد مشارکت کنندگان داشت. اینجا محقق نقش یک مشارکت کننده فعال را داشت تا منفعل. استفاده از شبکه های اجتماعی مانند تلگرام و واتس آپ برای به اشتراک گذاری برخی نظرات و واکاوی مجدد آنها، بهره برداری از نظریات تکمیلی مشارکت کنندگان و بررسی مجدد و دقیق نوشته ها و شنیدن چند باره فایل های صوتی را می توان اشاره نمود. با این شیوه ها محقق به طور مداوم تفسیرهای تحلیلی خود از داده ها را توسعه داد و از این طریق به جمع آوری داده های بیشتر دست یافتیم و به صورت مداوم پس از هر بار جمع آوری داده ها، تحلیل های نظری خود را اصلاح و تعدیل نمودیم و در بین این دو مرحله، به طور مداوم حرکتی رفت و برگشتی داشتیم هستند. در این روش، با درگیری کامل پژوهشگر با موضوع مورد بررسی و امکان تحلیل های مجدد و رفت و برگشت فراوان بین نظریه که در برگیرنده تحلیل داده ها و میدان تحقیق که همان بخش گردآوری داده ها بود، در جریان زیگزاگی تلاش نمودیم شناخت نظری دقیقی از پدیده مورد بررسی فراهم نماییم. در این مطالعه در حین بررسی یافته ها و مقولات حاصل شده به دفعات به منابع و تحقیقات دیگر در زمینه تعرفه ها و نظریه های اقتصادی برای مستندسازی نتایج ارجاع و مورد استفاده قرار دادیم، هدف توصیف این موضوع است که چگونه کنشگران خود بر پایه چگونگی دیدشان از جهان عمل می کنند و نه بر پایه اینکه جهان از نظر مشاهده گر بیرونی چگونه است. سرانجام با اتکاء به مراحل مختلف روش نظریه بنیانی؛ در کدگذاری سطر به سطر، تعداد ۴۴۶ داده خام از مصاحبه با مشارکت کنندگان به دست آمد که با استفاده از سه روش طرح پرسش، مقایسه کردن و مراجعه مکرر به داده ها، داده های خام اولیه تبدیل به مفاهیم شد. تعداد این مفاهیم ۱۴۲ مورد است و مفاهیم حاصله شامل ۸۳ مقوله فرعی و ۱۳ مقوله اصلی می باشد.

یافته های پژوهش

تعرفه های گمرکی ساز و کار اقتصادی تأثیر گذاری در اقتصاد یک کشور از طریق ایجاد موانع و یا تسهیل تجارت خارجی است، زمینه های اجتماعی که می تواند بر نحوه تعیین این مکانیسم اثرگذار باشد و سرانجام پیامدهای اجتماعی که این ابزار اقتصادی در سطح جامعه ایجاد می نماید موضوعی است که در این مقاله از نگاه افراد درگیر در خط مقدم اجرای چنین سیاست هایی مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد و پیامدهای اجتماعی آن واکاوی شده است. پس از پایان مرحله جمع آوری داده ها، با بهره گیری از الگوی اشتروس و کوربین (۱۹۹۸) شروع به استخراج مفاهیم با تکنیک برچسب گذاری مفاهیم^۱ و سپس آنالیز داده ها نمودیم، تکنیک برچسب گذاری مفاهیم از داده های خام مشارکت کنندگان، به محقق در مقایسه مفاهیم با یکدیگر کمک می کند، منابع این مفاهیم

¹ Conceptual naming & labelling technique

متنوع بوده و از میان داده ها، خلاقیت ذهنی محقق و همچنین حساسیت نظری به دست می آید. جدول شماره ۲ فرایند ساخت برخی مفاهیم حاصله از داده های خام را نشان می دهد.

جدول (۲): کدگذاری اولیه داده های تحقیق

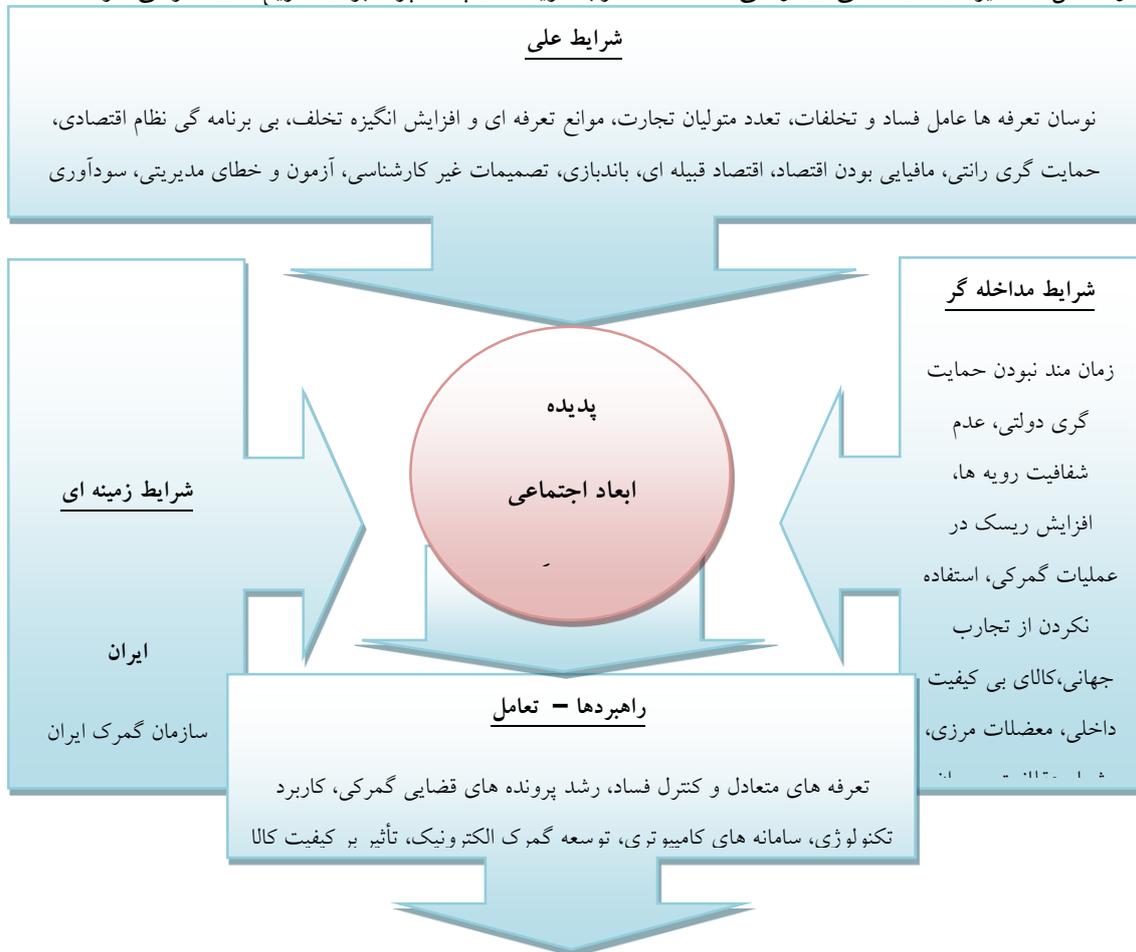
مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم اولیه	داده های خام
ابعاد اجتماعی تعرفه های گمرکی	بستر فساد زای اداری حمایت گری ناموزون دولتی رونق قاچاق رونق کولبری نا عقلانیت اقتصادی	تعرفه ها عامل فساد و تخلفات	- نرخ تعرفه بالا تخلفات و فساد گسترده تر
		کاهش سلامت اداری	- کاهش سلامت کاری در اعمال تعرفه بالا
		دور زدن قانون	- دور زدن قوانین در تعرفه های بالای گمرکی
		تعدد متولیان تجارت	- تعدد متولیان تجارت و افزایش فساد
		وجود انگیزه تخلف	- تعرفه متعادل کاهش انگیزه تخلف تاجر و پرسنل گمرک
		تعرفه متعادل و کنترل فساد	- تعرفه بالا ذاتاً فساد آور
		سود آوری دور زدن قانون	- سود آوری دور زدن قوانین گمرکی
		نبود حمایت زمانمند	- تعرفه حمایتی در یک بازه زمانی محدود نه بی پایان
		افزایش قاچاق	- صرفه اقتصادی قاچاق
		معضلات مرزی	- کولبری یکی از نتایج افزایش تعرفه ها
		کولبری و چتر بازی	- تعرفه بحران زاست مانند کولبری و ته لنجی ها
		بحران های اقتصادی اجتماعی	- موانع فعالیت تجاری و ایجاد آسیب های اجتماعی و اقتصادی
		بی توجهی به علم اقتصاد	- بی توجهی به اصول اقتصاد آزاد
		تصمیمات غیر کارشناسی	- تعرفه های غیر کارشناسی
		عدم شناخت اقتصاد جهانی	- نداشتن توجیه علمی برای تعرفه ها
عدم باور به درستی نظام تعرفه ها	- عدم باور کارکنان به اعمال تعرفه های بالا		
شعار عقلانیت	- عقلانیت اقتصادی شعار تا واقعیت		
آسیب های اقتصادی و اجتماعی	- عدم کارکرد مثبت تعرفه ها در واردات کالاهای لوکس و تجمل گرایی در سطح جامعه		

دسته بندی مفاهیم مشابه و هم معنی یا به تعبیری هم وزن به پیدایش مقوله های فرعی از مفاهیم مورد بررسی منجر گردید. مفاهیمی که از داده های خام حاصل از مصاحبه با کارشناسان گمرک به دست آمد در نتیجه تکرار پذیری تا مرحله ای که اشباع نظری حاصل گردید بصورت مداوم مورد کنکاش قرار گرفت در اینجا میزان تکرار و تاثیر گذاری آنها مورد نظر بوده است. پس از آن با مقایسه مفاهیم با یکدیگر و مراجعه به یادداشت های نظری که در جریان مصاحبه و مشاهده جمع آوری شده بود، مقولات مربوطه ساخته شد، محقق بطور دائم در داده های گردآوری شده غوطه ور شده و مدام از تکنیک پرسیدن و مقایسه کردن استفاده نموده است. پس از تعیین مفاهیم و مقولات، مرحله کدگذاری باز پایان می پذیرد و ما مقولاتی داریم که باید آنها را در نظمی منطقی برای تولید نظریه قرار دهیم، قبل از این اقدام اما، مقوله ها در پرتو داده های واقعی پالایش شده و ارتباط آنها با یکدیگر مشخص گردید. این اقدامات در مرحله کدگذاری محوری و ساخت مدل پارادایمی انجام گرفت. این مدل محقق را قادر خواهد ساخت تا درباره داده ها بطور منظم بیاندهد و آنها را به شیوه های پیچیده مرتبط کند. شکل شماره ۱ مدل پارادایمی مربوط به ابعاد اجتماعی تعرفه های گمرکی، حاصل برقراری این نظم منطقی است.

شرایط علی

مجموعه عواملی که موجب ایجاد مسائل و مشکلات مربوط به یک پدیده می شوند را شرایط علی گویند. در مدل پارادایمی این مطالعه شرایط علی پدیده ابعاد اجتماعی تعرفه ها عبارتند از؛ نوسان تعرفه ها عامل فساد و تخلفات، تعدد متولیان تجارت، موانع تعرفه ای و افزایش انگیزه تخلف، بی برنامه گی نظام اقتصادی، حمایت گری رانتی، مافیایی بودن اقتصاد، اقتصاد قبیله ای، باند بازی، تصمیمات غیر کارشناسی، آزمون و خطای مدیریتی و سودآوری دورزدن قانون. مفاهیم و مقولات حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان موید این نکته است که مجموعه عواملی که موجب پدیده ابعاد و پیامدهای اجتماعی تعرفه ها گردیده شامل این موارد است.

نوسان تعرفه ها به معنی تغییر مداومی است که تحت تأثیر سیاست های مقطعی و مسکن های دوره ای در اقتصاد ایران بکار می رود این تغییرات پیاپی امکان و زمینه فساد و تخلفات را فراهم می کند، این اقدامات ناشی از عللی چون تعدد تصمیم گیران و متولیان تجارت خارجی کشور است در واقع در یک سلسله علل که می توان آنرا موانع تعرفه ای نامید این تحولات اتفاق می افتد، «تعرفه های بالا عامل توسعه فساد می باشند. به دلیل آنکه وارد کنندگان تشویق می گردند که به مأموران گمرک پول بدهند تا راهی برای قاچاق کالا به منظور فرار از تعرفه های گمرکی بپردازند. جای تعجب نیست که کشورهایی که تجارت خارجی را محدود می نمایند جزء کشورهای فاسدتر می باشند» (از کیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۹). با نگاهی به مجموعه داده هایی جمع آوری شده در تحقیق، مصاحبه شوندگان شرایط علی موثر بر پدیده را در قالب عباراتی چنین بیان می کنند؛ مشارکت کننده کد ۲ «تعرفه های بالاتر همواره حواشی و مسائل خاص خود را برای دور زدن قانون و یا تبانی با عوامل اجرایی گمرک داشته اند این گستردگی و تنوع تعرفه ای در ایران عملاً بستری برای فساد در محیط اقتصادی گمرک گردیده است». یکی دیگر از شرایط علی تعدد متولیان تجارت است، مشارکت کننده کد ۵ می گوید؛ «تجارت در ایران گرفتار در پیچ و خم سازمان های مختلف است اخذ مجوزهای چند گانه از سازمان های گوناگون تعلل و تأخیر در کار همگی از عواملی است که منجر به هزینه های پشت پرده برای تسریع کار تاجر می گردد».



پیامدها

دور زدن قانون، کاهش سلامت کاری، شکست حمایت از تولید، تولید مونتاز، افزایش واردات غیر رسمی کالا، ناتوانی در جلوگیری از تخلفات، چالش در ابعاد توسعه، کولبری، چتر بازی، تعرفه مانع توسعه، بازار محدود کالای ایرانی، سقوط کیفیت کالای ایرانی، فقر و فاصله طبقاتی، افزایش قاچاق، ضدیت با

شکل (۱): مدل پارادایمی مربوط به ابعاد اجتماعی تعرفه های گمرکی

در بررسی مطالب حاصل از مصاحبه با کارشناسان گمرک به صراحت به این موضوع بر می‌خوریم که در تعرفه‌های پایین گرایش به تخلف ناچیز است معنی مخالف این عبارت یعنی تعرفه بالا تخلف بیشتر، برای مثال کارشناس کد ۷ می‌گوید «تعرفه‌ها وقتی مناسب باشد یا نرخ‌های پایین‌تر می‌بینیم تخلف نزدیک به صفر می‌شود چون که تعرفه بالا ذاتاً فساد آور و عامل اصلی اقتصاد زیر میزی است. بشتر تخلفات در کالاهای با ارزش و تعرفه بالا اتفاق می‌افتد».

در واقع یکی از علل مهم و مطرح، سود آور بودن دور زدن قانون برای تاجر است مشارکت‌کننده کد ۱۱ می‌گوید: «اگر بتواند با یک درصد کمتر هم کالای خود را خارج کند» در واقع تعرفه‌ای متعادل است که انگیزه تخلف برای تاجر و پرسنل گمرک را کاهش می‌دهد این بستر سوداگری است که راه را هموار میکند. در کشاکش برنامه‌ها و سیاست‌های دهه‌های اخیر در ایران آنچه بیشتر از همه نمود می‌یابد شعار حمایت‌گری دولت‌های مختلف است که می‌خواهند به این صورت ایران را در مسیر توسعه اقتصادی به حرکت در آورند از مهمترین ابزارهای حمایت‌گری دولتی تعرفه‌های گمرکی است. اجرای چنین سیاستی وقتی با بی‌برنامه‌گی نظام اقتصادی توأم گردد منجر به نوعی حمایت‌گری رانته می‌شود در اینجا مجموعه‌عللی که در ایجاد ابعاد و پیامدهای اجتماعی نظام تعرفه‌گذاری کالا هویدا می‌گردد نشانه‌های آشکاری از مافیایی بودن اقتصاد که نوعی اقتصاد قبیله‌ای و باندبازی را نمایندگی می‌کند بروز می‌یابد، در مصاحبه با کارشناسان گمرک نتایج این حمایت‌ها در قالب جملاتی به این شرح بیان گردید؛ مشارکت‌کننده کد ۱ می‌گوید: «سال‌ها تجربه من در گمرک نشان می‌دهد این همه حمایت‌ها نتیجه چندانی نداشته است وقتی هنوز توان تولید و صادرات نداریم یعنی ۴ دهه حمایت فقط برای برخی ثروت اندوزی به بار آورده است». بنابراین یک نظامی از تصمیمات غیر کارشناسی با آزمون و خطای مدیریتی است، چنانچه مصاحبه‌شونده کد ۳ می‌گوید: «این حمایت‌گری با افزایش تعرفه به بن بست خورده شما کیفیت کالای ایرانی را ببینید با نمونه خارجی مقایسه کنید یک نظام بلبشوی تعرفه‌ای فقط می‌تواند به چنین هزینه‌های سنگینی برای مصرف‌کننده داخلی در ایران منجر گردد».

در بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از مشارکت‌کنندگان وقتی صحبت از ابعاد اجتماعی یک موضوع اقتصادی می‌شود در واقع به بستری که در جامعه به بروز و ظهور این پیامدها منجر می‌گردد مورد نظر است این مجموعه علل تحت تأثیر سایر مولفه‌ها منجر به نتایجی می‌گردد که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

شرایط مداخله‌گر

آنچه تأثیرات شرایط علی در پدیده‌ها را کاهش یا افزایش یا تغییر می‌دهند را شرایط مداخله‌گر می‌نامند، در واقع آنها تسهیلگر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاصی قرار دارند. در این مدل پارادایمی شرایط مداخله‌گر ابعاد اجتماعی تعرفه‌ها عبارتند از؛ زمان مند نبودن حمایت‌گری دولتی، عدم شفافیت رویه‌ها افزایش ریسک در عملیات گمرکی، استفاده نکردن از تجارب جهانی، کالای بی‌کیفیت داخلی معضلات مرزی شعار عقلانیت بحران‌های اجتماعی - اقتصادی.

داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد یکی از عواملی که در تشدید زمینه‌های اجتماعی موضوع موثر است مبحث زمان مند نبودن حمایت‌گری دولت از صنایع و تولیدات داخلی است. مادامی که دولت‌ها یک برنامه زمان‌مندی برای حمایت ارائه ندهند حرکت به سمت تعرفه‌های کارآمد با موانع جدی روبرو است در اینجا به گفته‌های یکی از مشارکت‌کنندگان ارجاع داده می‌شود. در این خصوص مشارکت‌کننده کد ۱ می‌گوید: «سال‌ها تجربه من در گمرک نشان می‌دهد این همه حمایت‌ها نتیجه چندانی نداشته است نگاهی به همین سیاست حمایت از خودرو داخلی نشان می‌دهد نه کیفیتی هست قطعات هم همه وارداتی و از چین می‌آید». در این بین عدم شفافیت در رویه‌های جاری حمایتی و حتی سیاست‌های اقتصادی که ناشی از یک سردرگمی اجتماعی و فکری تصمیم‌گیران است به این بحران‌ها دامن می‌زند برای نمونه مشارکت‌کننده کد ۵ در این خصوص می‌گوید: «به نظر من یک روش علمی و بروز را برای فعالیت تجارت بین‌الملل خود انتخاب نکرده ایم و کارها مبنای علمی درستی مبتنی بر دستاوردهای علم اقتصاد

در کشور های موفق ندارد صحبت هایی از برنامه ریزی و عقلانیت می شود اما تا اجرا به بی عقلی منتهی می شود چرا که نتیجه آن تا کنون به نفع توسعه اقتصادی کشور نبوده البته فاکتورهای مختلفی موثر اند اما ما داریم از تعرفه ها حرف می زنیم». فشار تغییرات پیاپی و تصمیمات آنی و غیر کارشناسی ریسک عملیات گمرکی را بالا برده کارکنان و تجار را با گرفتاری های جدی در عدم ثبات مواجه می کند. شیوه هایی از مدیریت در مسائل اقتصادی را مشارکت کننده کد ۱۵ چنین بیان می کند که؛ «به نظر نمی رسد عقلانیت و خردگرایی در اقتصاد با تصمیمات آنی و یک شبه ممکن باشد وقتی در سنوات قبل به یکباره تعرفه برخی کالا چند برابر می شود به معنی عدم رعایت معیار های عقلانیت و برنامه ریزی اقتصادی است صرف نظر از ابعاد اقتصادی، همین تغییر مآخذ ها یک شبه بسیاری را ثروتمند تر و برخی دیگر را فقیر تر می کند به این صورت که وارد کننده کالایی را که از گمرک ترخیص کرده و در انبار دارد با افزایش تعرفه با قیمت بیشتری در بازار می فروشد این یعنی ایجاد فاصله طبقاتی و تأثیر تصمیمات اقتصادی یک شبه در حیات اجتماعی مردم ایران، از آن سوی مصرف کننده هم باید قیمت بیشتری برای آن پردازد. بنابراین تعرفه ای عقلانی است که یکنواختی و نرمال بودن آن در طول زمان رعایت گردد نه خلق الساعه و غیر کارشناسی».

یکی از جدی ترین شرایط مداخله گر بی توجهی و عدم بهره برداری از تجارب جهانی در زمینه تعرفه هاست. در دنیای واقع و جهان اجتماعی کنش گران در انتخاب کالا و خدمات خود به کیفیت توجه ویژه ای دارند داده ها حکایت از این دارد وضعیت تعرفه ها در نهایت به بی کیفیتی کالای داخلی منجر شده است در واقع برونداد اقتصادی از زمینه های اجتماعی حاکم بر تصمیم سازی و تولید و توزیع کالا در بعد داخلی و روابط تجاری خارجی ما را به شرایط اکنون رسانده است. وجود معضلات مرزی بحران های فصلی و سالانه اقتصادی و اجتماعی نیز از عوامل و شرایط دخیل در این کارزار هستند این نکته را می توان با آوردن شاهدانی از مشارکت کنندگان تایید نمود در نهایت جو اجتماعی شعار زدگی عقلانیت اقتصادی را به چالش کشیده است. در کشاکش برنامه ها و سیاست های دهه های اخیر در ایران آنچه بیشتر از همه نمود می یابد شعار حمایت گری دولت های مختلف است که عقلانیت به معنی انتخاب بهینه از میان ابزارهای مختلف برای رسیدن به یک هدف مشخص اقتصادی را نادیده گرفته است. در این زمینه مشارکت کننده کد ۲ می گوید؛ «صحبت از عقلانیت یا بکارگیری زیر بنای علمی برای تعرفه گذاری کالا وقتی اصول اولیه اقتصاد آزاد رعایت نمی شود یا تا زمانی که شناخت ما از تحولات جهان امروزی ضعیف و آنچه اجرایی می کنیم تجربیات مثلاً یک قرن گذشته سایر کشور هاست چگونه می شود دم از عقلانیت در تعرفه گذاری کالا یا عقلانیت اقتصادی زد. تا آنجایی که تعرفه های مناسب برای مواد اولیه به قصد تولید داخلی اعمال می شود قطعاً عقلانیت درستی بکار رفته چرا که بسیاری از کالاها در این رویه تعرفه گذاری می شوند اما وقتی به بهانه یا به دلیل حمایت از تولید داخل، تعرفه ها جابجا می شود و افزایشی عمل می شود از معیار های اقتصاد آزاد فاصله می گیرد اینجا یعنی عملی که درست کارشناسی نشده است».

بی برنامه‌گی و بی توجهی به دستاوردهای علمی نکته مهمی است که مشارکت کننده کد ۱۰ نیز آنرا مد نظر دارد و در قالب عباراتی چنین می گوید؛ «ما گرفتار شعار هایی در توسعه و پیشرفت ایرانی اسلامی شده ایم که ماده و ماهیت آن نامشخص و معلوم نیست در کدام چهارچوب علمی و عقلانیتی باید عملیاتی شود. اما برنامه ها و اهداف اگر معیار عقلانیت داشته باشد اکنون باید پس از چند سال ایران عضوی موثر در گات یا سایر معاهدات تجاری بین المللی باشد اما نیست».

جهان امروز الزامات و چارچوب های مشخصی برای فعالیت های تجاری دارد که رعایت آن معیارها تسهیلاتی را برای اعضاء فراهم می نماید. امروزه تقسیم کار جهانی و توسعه فعالیت های گمرکی کشور های عضو سازمان جهانی تجارت و سازمان جهانی گمرک نشان از جهانی شدن اقتصاد دارد، وقتی سیاست ها به سمت تسهیل تجارت می رود و یا نگاه ها معطوف به کاهش تعرفه ها و ایجاد فضای رقابتی بیشتر است. یکی از پیامدهای مثبت جهانی شدن قرار دادن تمام کشورها در فرایند توسعه است. این فرایند همگان را در پروژه توسعه درگیر می سازد و با افزایش دانش بشری در اقصی نقاط جهان عصر جدیدی را در مبادلات اقتصادی ایجاد می نماید.

در این راستا مصاحبه شوندگان دیدگاه‌های خود را در زمینه جهانی شدن اقتصاد و موضوع تعرفه‌ها مطرح نمودند. مشارکت کننده کد ۱ می‌گوید: «کشورهای موفق در همین منطقه ما برای صادرات و واردات خود تعرفه‌های تقریباً یکسان اعمال می‌کنند مثلاً در همین دبی که اکنون به پایانه صادراتی کالا به ایران تبدیل شده و بیشتر واردات ما از این نقطه انجام می‌شود بیشتر تعرفه‌ها ۴ درصد اعمال می‌شود در واقع معیاری که سازمان‌های جهانی متولی تجارت هم آنرا پیشنهاد داده‌اند و بسیار محتمل است که به توسعه اقتصادی کمک بیشتری کند. راهی که ایران باید طی کند پیروی از همین عقلانیت جهانی در تجارت بین‌الملل است کاهش تعرفه‌ها نشانه‌ای از پذیرش این معیارها است».

جهانی شدن اقتصاد، تجربه کشورهای دیگر، کامیابی و ناکامی‌های ملل دیگر را به اشتراک می‌گذارد و می‌تواند الگویی برای سایرین باشد. تصمیم‌گیران اقتصادی در ایران گمان می‌کنند با بی‌توجهی به معیارهای سازمان‌های جهانی از جمله حرکت به سمت میانگین تعرفه‌های پایین‌تر می‌تواند مسیری جدیدی برای توسعه اقتصادی طی کنند اما این بی‌توجهی به شکست برنامه‌ها منجر می‌شود. دستکاری‌های ناشیانه در اصول علمی اقتصاد به فجایع اقتصادی و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن منجر می‌شود.

شرایط زمینه‌ای

زمینه عبارت از مجموعه شرایط خاصی است که درون آن راهبردهای کنش و واکنش انجام می‌شود یعنی مکان حوادث یا وقایع مربوط به پدیده در طول یک محدوده دارای بعد را گویند. در این مطالعه شرایط زمینه‌ای ایران در ۴ دهه اخیر و به تبع آن سازمان گمرک ایران است که به عنوان مجری سیاست‌های تعرفه‌ای درگیر با بسیاری از جنبه‌های تعرفه‌گذاری کالاها می‌باشد.

پدیده

ما در پی پاسخ به این پرسش هستیم که؛ اینجا چه می‌گذرد؟ در جستجوی پدیده، ما به دنبال الگوهای تکراری اتفاقات، حوادث یا اقداماتی هستیم که نشان‌دهنده آنچه مردم به تنهایی یا با دیگران در پاسخ به مشکلات و موقعیت‌هایی که آنها خودشان را در آن می‌بینند، می‌گویند یا انجام می‌دهند.

تعرفه‌گذاری کالا در ایران برخاسته از زمینه‌ها و شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه است. در این تحقیق پدیده ابعاد اجتماعی تعرفه‌های گمرکی و رابطه آن با توسعه اقتصادی حاصلی از داده‌های جمع‌آوری شده در طول این بررسی بوده که پیامدهای اجتماعی یک موضوع اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده است. این ویژگی‌ها یک محصول اجتماعی - فرهنگی است که منجر به تصمیم‌های خاص اقتصادی می‌شود و به عنوان چالشی در توسعه اقتصادی ایران مطرح می‌باشد. «مکتب نهادی نقش مؤسسات و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. «نهاد» تنها یک مؤسسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء و بخش اساسی یک فرهنگ پذیرفته می‌شود. بنابراین، در تجزیه و تحلیل اقتصادی، رفتار گروهی است که روش زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد» (متوسلی، پیشین: ۳۴۷).

راهبردها

تاکتیک‌های استراتژیک روزمره‌ای هستند که چگونه مواجه شدن اشخاص با موقعیت‌ها، مشکلات و مسائل را نشان می‌دهد، اینکه مردم چه می‌گویند یا انجام می‌دهند یا شیوه‌هایی برای پاسخ دادن مردم به وقایع در زندگی روزمره و در سازمانها، قوانین و مقررات و رویه‌ها را در برمی‌گیرد.

در این مطالعه راهبردهایی که از سوی کنشگران این عرصه و به واسطه مشارکت کنندگان مورد اشاره قرار گرفت شامل؛ تعرفه‌های متعادل و کنترل فساد، رشد پرونده‌های قضایی گمرکی، کاربرد تکنولوژی، سامانه‌های کامپیوتری، توسعه گمرک الکترونیک، تأثیر بر کیفیت کالاها، تعرفه و صنعتی شدن، تسهیل تجارت، مطلوبیت کالای خارجی، عدم باور کارکنان به درستی نظام تعرفه‌ها و شناخت از اقتصادهای موفق جهان. در واقع راهبردهای مبنای تعاملات جاری، در دو بعد فعال یا منفعل در قالب این عبارات طرح شده است.

یکی از راهبردهایی که می‌تواند در این زمینه موثر باشد رفتن به سوی تعرفه‌های متعادل برای فعالیت سالم اقتصادی و کنترل فساد است.

این راهبردهایی است که کارشناسان گمرک یا در مواردی نظام سازمانی آنها را برای برون رفت از بحران‌های پیش رو انجام یا پیشنهاد می‌دهد. برای مثال برخورد قضایی با تخلفات گمرکی و تعرفه‌ای که در قالب افزایش شمار پرونده‌ها پیگیری می‌شود. اما یکی از جدی‌ترین راهبردها استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی و سامانه‌های کامپیوتری برای رصد رویه‌ها و جریان‌های تجاری جاری است. در این زمینه اظهار نظر مشارکت‌کنندگان نشان از عمق این تحولات دارد؛ مشارکت‌کننده کد ۱۶ می‌گوید: «سامانه‌های گمرکی علاوه بر دقت موجبات جلوگیری از جعل و تقلب با استفاده از برنامه‌های نرم افزاری کامپیوتری شده و امکان تقلب در تعرفه و ارزش کالای اظهاری را خیلی سخت می‌کند ضمن آنکه منجر به شفافیت در آمار و ارقام و میزان واردات کالا در تعرفه‌های مختلف و نوع و ارزش و وزن‌های کالای وارداتی به کشور می‌گردد». مشارکت‌کننده‌ای از کارشناسان گمرک با کد ۲ می‌گوید: «یکی از زمینه‌های موفقیت‌آمیز استفاده از تکنولوژی در فرایندهای گمرکی موضوع رهگیری محموله‌های ترانزیتی با استفاده از GPS می‌باشد که از دخل و تصرف در کالاهای عبوری به میزان زیادی کاسته است، به صورتی که امکان نظارت برای گمرک و سایر دستگاه‌های نظارتی مانند پلیس فراهم شده است».

این راهبردها به سوی عملگرایی بیشتری سوق می‌کند وقتی به افزایش کیفیت کالای داخلی یا صنعتی شدن بیشتر کشور در برنامه‌های دولت توجه می‌شود تا بتواند رقابت‌پذیری کالای ایرانی را در جهان افزایش دهد. در این سوی ماجرا اما راهبرد مطلوبیت کالای خارجی به معنی گرایش مصرف‌کننده به استفاده از کالاهای با کیفیت‌تر وارداتی نمود پیدا می‌کند. نظریه مزیت نسبی بر این نکته تأکید دارد که کشورها باید بر تولید و فروش کالاهایی تمرکز کنند که در تولید آن‌ها به سبب دارایی‌هایشان، مانند زمین، منابع معدنی، نیروی کار، تخصص فنی یا علمی مزیت دارند. این به معنای تقسیم جهانی کار می‌باشد. در واقع برای کشورها معقول‌تر است که به جای تلاش برای تولید همه چیز به این طریق تخصص‌یابند، تا تولیدات آنها کارآمدتر شده، ظرفیت بیشتری را برای رشد ایجاد نموده و از منابع کمیاب به نحو مؤثرتری بهره‌برداری نمایند.

نکته بسیار مهمی که در داده‌های به دست آمده مشخص شده راهبرد طرد رویه‌های جاری گمرکی و عدم باور به درستی نرخ تعرفه‌های جاری گمرکی است که کارکنان بر آن مهر تایید می‌زنند. این ویژگی در سایه راهبرد کلان‌تری معنادار می‌شود و آنهم شناخت از اقتصادهای موفق جهان است که باید به آن توجه شود. یعنی کارکنان با آوردن مثال‌هایی از شرایط جهانی بر بی‌نتیجه بودن سیاست‌های جاری در ایران تأکید دارند. مشارکت‌کننده کد ۱ می‌گوید: «کشورهای موفق در همین منطقه ما برای صادرات و واردات خود تعرفه‌های تقریباً یکسان اعمال می‌کنند مثلاً در همین دبی که اکنون به پایانه صادراتی کالا به ایران تبدیل شده و بیشتر واردات ما از این نقطه انجام می‌شود بیشتر تعرفه‌ها ۴ درصد اعمال می‌شود در واقع معیاری که سازمان‌های جهانی متولی تجارت هم آنرا پیشنهاد داده‌اند و بسیار محتمل است که به توسعه اقتصادی کمک بیشتری کند. راهی که ایران باید طی کند پیروی از همین عقلانیت جهانی در تجارت بین‌الملل است کاهش تعرفه‌ها نشانه‌ای از پذیرش این معیارها است».

در این باره مشارکت‌کننده کد ۹ می‌گوید: «به نظر من ما در همه زمینه‌ها از جمله اقتصاد و تعرفه‌ها دنبال کشف قوانین جدید هستیم انگار اختراع دوباره چرخ افتخاری برای ما دارد اصلاً برنامه منسجمی برای آگاهی از تجارب سایر کشورها نداریم من که تا کنون چنین چیزی ندیده‌ام ممکن است کارشناسان اطلاع داشته باشند اما سازمان‌های متولی مطالعه مقایسه‌ای برای یافتن بهترین راه رسیدن به نتیجه مطلوب را دنبال نمی‌کنند ما بیشتر سعی در نادیده گرفتن قوانین جهانی داریم آنهم در موقعی که همه چیز جهانی شده است حتی اقتصاد، تعرفه‌ها و رشد و پیشرفت اقتصادی».

پیامدها

پیامدها ایستگاه پایانی پارادایم است که؛ نتیجه پدیده و راهبردهای انتخاب شده در زندگی کنشگران را نشان می دهد شاید تمامی کنشگران این پیامدها را تجربه نکنند اما تحلیل گر، می خواهد تا حد زیادی این پیامدها را در تجزیه و تحلیل ها به دست بیاوریم.

در این مطالعه پیامدهای ناشی از زمینه ها و ابعاد اجتماعی تعرفه گذاری کالاها در ایران به مواردی چون؛ دور زدن قانون، کاهش سلامت کاری، شکست حمایت از تولید، تولید مونتاژی، افزایش واردات غیر رسمی کالا، ناتوانی در جلوگیری از تخلفات، چالش در ابعاد توسعه، کولبری، چتر بازی، تعرفه مانع توسعه، بازار محدود کالای ایرانی، سقوط کیفیت کالای ایرانی، فقر و فاصله طبقاتی، افزایش قاچاق، ضدیت با توسعه، فقر و بیکاری و کاهش کیفیت کالاها منجر شده است.

پدیده اجتماعی وقایع یا اموری را شامل می شود که عینی و قابل رویت باشند و بتوان آنها را با اصول علمی تبیین کرد. در واقع پدیده اجتماعی در برگیرنده کنش های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن هستند. پیامد حالت، رویداد یا پدیده ای است که ممکن است در نتیجه ی تحقق یک برنامه، فرآیند، پیشامد، تلاش یا هر اقدام و رخداد مشابهی، در سازمان ها و جوامع حادث شود و آثار و نتایج متفاوتی را در پی داشته باشد، بنابراین پیامدهای اجتماعی تعرفه گذاری کالاها شامل نتایج مثبت و منفی و برون دادهای تصمیمات کلان اقتصادی است که در روابط بین افراد در جامعه نمود می یابد، در این تحقیق مشارکت کنندگان در جای جای مصاحبه ها بر این پیامدها تاکید نموده اند. داده های حاصله نشان می دهد تعرفه گذاری کالادر ایران این پیامدهای اجتماعی را در پی داشته است. در واقع بازتاب های مجموعه سیاست های اقتصادی برخاسته از بستر های اجتماعی جامعه ایران علاوه بر نتایج زیانبار اقتصادی نتایج و پیامدهایی اجتماعی متعددی چون کولبری، فقر و فاصله طبقاتی، فساد و ضدیت با توسعه و... را به همراه داشته است.

گسترش تجارت مشروع یکی از اهداف توسعه در کشورهای در حال توسعه است اما در ایران تلاش فعالان در حوزه اقتصاد به دور زدن قانون معطوف است چرا که تجارت مشروع به سبب هزینه دار بودن عرضه و تقاضای کالاها را با مشکلاتی مواجه می کند، در این مسیر سلامت کاری در محیط های اقتصادی پایین می آید چرا که کنش گران این عرصه در کسوت کارکنان یا مراجعہ کنندگان در مسیر های غیر قانونی برای رسیدن به اهداف خود قدم بر می دارند.

یکی از مهمترین تحولاتی که باید توجه ویژه ای به آن شود شکست سیاست تولید داخلی متکی بر تعرفه های حمایتی است به این معنی که این تولیدات توان رقابت با کشورهای دیگر را ندارد چنانچه سازمان تجارت جهانی استفاده از ابزار تعرفه های گمرکی برای حمایت از اقتصاد داخلی را نادرست می داند زیرا با این کار در مسیر تجارت خارجی مانع ایجاد می شود و این موانع به تدریج فرصت های رشد اقتصادی را به دلیل نبود رقابت از بین می برد. بنابراین تعرفه های وارداتی باید در سطحی باشد که فرصت رشد اقتصادی در کشور ایجاد شود و صنایع هم به دلیل رقابت با محصولات مشابه خارجی برای ارتقای کیفی تلاش کنند. بنابراین تولید مونتاژی سقوط کیفیت کالای ایرانی را به همراه داشته و برای پاسخ به تقاضای جامعه به سمت افزایش واردات غیر رسمی کالا گرایش پیدا می شود که از مسیر هایی چون کولبری و چتر بازی موجبات افزایش قاچاق می گردد. نتایج به دست آمده در برخی تحقیقات نشان می دهد؛ نرخ جرمه و تعرفه از مهمترین عوامل توضیح دهنده روند قاچاق در طی این دوره بوده است و اثر قاچاق بر شاخص قیمت کالاهای وارداتی از اثر آن بر درآمدهای عمومی واقعی دولت شدیدتر است. در واقع ایجاد موانع سبب شده مسیر های دیگری برای پاسخ به تقاضای جامعه جایگزین شود، مسیری که قطعاً هموار و قانونی نخواهد بود.

تعرفه ها از ابزار جدی موثر در افزایش تجارت غیر قانونی است و خود بستری برای زمینه سازی قاچاق است در این خصوص مشارکت کننده کد ۹ می گوید؛ «زمینه سازی قاچاق با افزایش تعرفه ها فراهم می شود اولاً صرفه اقتصادی در تعرفه بالا کم می شود دوماً سرعت عمل در تجارت غیر رسمی در ایران به گونه ای شگفت انگیز بالاست شما می بینید سریعاً کالای قاچاق وارد و توزیع می شود و دولت و دادگستری و پلیس هم امکان مبارزه با این حجم عظیم قاچاق را ندارند». در این زمینه مشارکت کننده کد ۱۵ می گوید؛ «ساختار تعرفه در ایران خود مولد و تولید کننده قاچاق و قاچاقچی است، تعرفه های بالا منجر به افزایش پرونده های قضایی قاچاق

کالا شده همچنین خود به عنوان یکی از موانع تجارت آزاد و رونق قاچاق عمل می‌کند از تبعات آن معضلات مرزی و کولبری است که مقابله با آن هم به کشتن افراد بیچاره ای که اکثراً به دلیل فقر و بیکاری به این کار مشغول هستند منجر و تبعات اجتماعی بسیار بدی در جامعه دارد این تعرفه گذاری بصورت ساختاری مشکل دارد.

در تشریح دیگر پیامدهای مورد اشاره همچون؛ فقر و فاصله طبقاتی یا فقر و بیکاری که بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در مدل پارادایمی از پیامدهای اجتماعی تعرفه گذاری کالا می‌باشد؛ «با در نظر گرفتن این واقعیت که تولید و صادرات محصولات کشاورزی و منسوجات دو بخشی است که کشورهای در حال توسعه در آنها دارای مزیت نسبی شناخته شده می‌باشند؛ و با توجه به اینکه در فرآیند ادغام در اقتصاد جهانی، فرصت‌های جدید برای افزایش اشتغال و درآمد در بخش‌ها و فعالیت‌هایی پیش می‌آید که در آن یک کشور از مزیت نسبی برخوردار است و برعکس کاهش و از دست رفتن فرصت‌ها در فعالیت‌هایی روی می‌دهد که در آنها ضعف نسبی دارد؛ می‌توان به پیامدهای منفی و عمیق حفظ تعرفه‌ها و سهمیه‌های یاد شده در تجارت جهانی برای اتخاذ و پی‌گیری رویکرد حقوق بشری به توسعه در کشورهای در حال توسعه، و به ویژه فقیرترین آنها، پی برد. امری که مانعی جدی در عین حال بر سر راه تحقق اهداف توسعه هزاره، به خصوص "کاهش فقر" و حق توسعه محسوب می‌شود. اقتصاددانان ارشد بانک جهانی نیک استرن در تحقیق مشترکی که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی صورت گرفته است، درباره‌ی دستیابی صادرات کشورهای در حال توسعه به بازارهای جهانی، به این نکته توجه کرده است که: «بهبود دستیابی کشورهای در حال توسعه به بازار، یکی از مهم‌ترین گام‌هایی است که کشورهای ثروتمند می‌توانند در مبارزه با فقر جهانی اتخاذ نمایند» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۲۱). از دید مشارکت‌کننده گان نوسانات تعرفه‌ای خود به عامل مهمی در زمینه ایجاد و گسترش فاصله طبقاتی و پیامدهای اجتماعی آن منجر می‌گردد بدین صورت که تغییر مآخذها یک شبه بسیاری را ثروتمند تر و برخی دیگر را فقیر تر می‌کن، واردکننده کالایی را که از گمرک ترخیص کرده و در انبار دارد با افزایش تعرفه با قیمت بیشتری در بازار می‌فروشد این یعنی ایجاد فاصله طبقاتی و تأثیر تصمیمات اقتصادی یک شبه که در حیات اجتماعی مردم آثار سوء به جای می‌گذارد.

با این اوصاف یکی از پیامدهای اجتماعی تعرفه‌ها در ایران ضدیت با توسعه است چرا که بی‌توجه به تحولات جهانی معاصر بر بنیان‌های فکری قرن بیستمی اتکا دارد، چنانچه قبلاً نیز اشاره شده داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد، عصر جهانی شدن اقتصاد و تجارت بیش از پیش سیطره خود را بر سایر روابط بین‌کشورها گسترده است این تحولات باید تأکید را از اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های منبعث از مکاتب فکری توسعه دهه‌های قبل و نادیده انگاشتن تحولات منطقه‌ای و جهانی در تجارت آزاد و افزایش تعرفه‌های گمرکی به دیدگاه‌های جدید اقتصاد توسعه در ایران رهنمون سازد.

بحث و استنباط نظری

این مطالعه با توجه به تجارب زیسته محقق در سازمان، مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های متعدد با مشارکت‌کنندگانی که همگی از کارکنان و کارشناسان سازمان گمرک ایران بوده‌اند با بهره‌گیری از تحقیقات و مطالعات پیشین در حوزه نظریه‌های اقتصاد توسعه و تعرفه‌های گمرکی انجام گرفته است.

این مقاله در پی بررسی تأثیر شرایط اجتماعی موثر بر تعرفه‌گذاری کالای وارداتی در ایران است به این معنی که در یک چرخه تأثیر و تأثر نتایج و پیامدهای مجموعه سیاست‌هایی که از بسترهای اجتماعی و اقتصادی جامعه ناشی می‌شوند را در حوزه توسعه اقتصادی و تعرفه‌های گمرکی با کارکنان گمرک به عنوان کنشگرانی در میدان عمل، مطرح نموده و با یک مطالعه عمیق جهان واقع را از دیده آن مشارکت‌کنندگان و بر اساس تجربه زیسته آنان مورد ارزیابی قرار داده، تا نه صرفاً با اتکا به آمار و ارقام که با سفری به عمق و ریشه‌های تفکر اقتصادی و توسعه‌ای که منجر به برون‌دادهای آماری شده که اکنون ما را در بحران‌های مختلف توسعه‌ای و پیامدهای زیانبار آن از بی‌کیفیت بودن کالای داخلی، فساد اداری، قاچاق و کولبری و نداشتن بازار جهانی کالای ایرانی گرفتار کرده، ابعاد پدیدآورنده مورد مطالعه را شناسایی نموده و گزارش دقیقی از آن ارائه نماید.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعرفه گذاری کالاها دارای ابعاد اجتماعی مختلفی بوده که آنها را به پدیده‌های منحصر به فردی در جامعه ایران مبدل ساخته است. نظر به اینکه پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی چند علتی می‌باشند و ابعاد و وجوه گوناگون و چندگانه‌ای دارند این مطالعه بصورت بین رشته‌ای در حوزه‌های مختلف تعرفه گمرکی و جامعه‌شناسی اقتصاد توسعه به نتایج قابل اتکایی برای تحقیقات بعدی در زمینه عوامل موثر اقتصادی و اجتماعی بر تعرفه‌های گمرکی در ایران دست یافته و از این زاویه نگاهی نو برای مطالعات آینده در این حوزه خواهد بود.

مشارکت کنندگان ابعاد مختلف پدیده را با توجه به شرایط مختلف زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر مورد واکاوی قرار دادند و راهبردهای گوناگونی را که در مواجهه شدن با مسائل مربوط به تعرفه‌ها اتخاذ شده و در نهایت منجر به پیامدهایی در جامعه مورد بررسی این تحقیق گردیده مطرح نمودند. این پیامدها چیزی نیستند مگر همان مقوله‌های عمده‌ای که در بخش‌های مختلف مورد اشاره قرار گرفته‌اند و در نهایت با یک همبستگی منظم و معنی‌دار به ظهور و بروز نظریه‌نهایی این پژوهش منجر گردید. در این دیدگاه ناکارآمدی به کارکردهای آشکار و پنهان یک پدیده اشاره دارد که می‌تواند حرکات آن پدیده را با موانع جدی روبرو نماید. ناکارآمدی^۱ وصفی است که در لغت به معنای بی‌فایده، بدون تأثیر، معیوب و غیر کارکردی استفاده می‌گردد، در اینجا ناکارآمدی به معنی عدم دستیابی به اهداف تعرفه گذاری و کارکردهای آن است.

استفاده از واژه تعرفه‌های ناکارآمد از نگاه یک پژوهشگر اجتماعی - اقتصادی از تفسیر و تحلیل مفاهیم بیان شده از سوی مشارکت کنندگانی ساخته شده که برداشت‌های دست اول خود از موضوع را بدون هیچ واسطه‌ای منعکس نموده‌اند این نظریه بیانگر لزوم توجه به موانع توسعه پایدار اقتصادی خصوصاً در بخش اقتصاد توسعه است. وصف ناکارآمدی علاوه بر اشاره به کارکردهای نادرست نشان دهنده اثرات سوء ابزارهای اثرگذار در دست دولت‌ها در حوزه اقتصاد ایران است که نشان می‌دهد آنچه تا کنون اتفاق افتاده بیش از آنکه تسهیلگر باشد به مانعی در مسیر اهداف و برنامه‌ها مبدل گردیده است. ناکارآمدی تعرفه‌ها چه در مرحله اجرا، همچنین تبعاتی که در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به گواه داده‌های جمع‌آوری شده از مشارکت کنندگان داشته، نتوانسته نقش درستی در مسیر توسعه اقتصادی کشور بازی کند که در نهایت منجر به پیامدهایی در بخش‌های مختلف جامعه ایران گردیده است. مشارکت کنندگان به عنوان کنشگر، شاهد و ناظر شرایط حاصل از اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای مختلفی بوده‌اند که جدای از شرایط کلان اقتصادی و اجتماعی ایران نبوده و در همان بستر رشد کرده است آنها روایت‌های خود را از اقدامات سازمان‌ها و تصمیم‌گیرندگان کلان اقتصادی بیان کردند وقتی از بی‌ثباتی و تصمیمات و بخش‌نامه‌های خلق‌الساعه سخن می‌گویند این راهبردها و پیامدهای حاصل از آن به مفهوم چالش در توسعه اقتصادی رهنمون می‌شود.

همچنین دستکاری‌های غیر کارشناسی و فاقد منطق علمی و تجربی لازم در ابزارهای اقتصادی الگوی اجتناب ناپذیری از ناکارآمدی را برای نظام‌های اقتصادی به همراه می‌آورد که این ناکارآمدی پیامدهای ناگزیر اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت و جامعه را از رسیدن به یک توسعه پایدار دور می‌نمایند.

سرانجام در این مطالعه به گزاره‌های زیر دست یافته‌ایم؛

- تعرفه گذاری کالا در ایران تحت تأثیر بسترهای اجتماعی و اقتصادی موجود است.
- روش تعرفه گذاری کالا در ایران پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته است.
- پیامدهای تعرفه گذاری کالا در ایران با تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر محیطی و دولتی به ایجاد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شده است.
- کارکردهای تعرفه گذاری کالا در برخی زمینه‌ها همچون درآمد زایی برای دولت‌ها مثبت بوده‌است.
- تعرفه‌ها در ایران در صنعتی شدن و توسعه اقتصادی نقش مثبت و موثری رو به جلو نداشته‌اند.

¹ Faulty-not functional

- تعرفه‌های بالای اجرایی در گمرکات، بر حوزه‌های مختلف اقتصادی همچون تولید کالای با کیفیت ایرانی و مزیت‌های رقابتی آن تأثیرات فراوانی داشته است.
- تعرفه‌های اعمال شده در ایران بستری برای رواج تجارت غیر قانونی بوده است.
- از پیامدهای اجتماعی تعرفه‌گذاری کالا در ایران کولبری است که به یک مسئله اجتماعی در ایران تبدیل شده است.
- کولبری نتیجه با صرفه بودن تجارت غیر قانونی ناشی است وقتی تعرفه‌ها سودآوری تجارت مشروع را کاهش می‌دهند.
- راهبرد حمایت از کالای تولید داخل توسط دولت‌ها به پیامدهای مختلف اجتماعی و اقتصادی چون قاچاق کالا، کولبری، چتر بازی، تجارت غیر قانونی و فساد اداری منجر شده است.
- بین استفاده از تکنولوژی‌های کامپیوتری و کنترل فساد رابطه موثری وجود دارد.
- عدم رقابت پذیری کالای ایرانی در سطح منطقه‌ای و جهانی امکان صادرات کالای صنعتی ایرانی را ناممکن ساخته است.
- بی‌توجهی به معیارهای جهانی و رویه‌های تجربه‌شده اقتصادهای موفق از ویژگی سیاست‌های تعرفه‌ای در ایران است.
- باور دورنی به اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای از سوی کنشگران این عرصه ضعیف ارزیابی می‌شود.
- بازتولید فقر، فساد، بیکاری، نمودهای روشنی از جریان نادرست اقتصاد تعرفه در راستای قطع رابطه با جریان‌های تجارت جهانی است که امکان تولید رقابتی را از جامعه ایران سلب کرده است.
- تصمیمات اقتصادی در ایران دستوری و سیاسی است و تابع شرایطی است که از آن به مافیای اقتصادی تعبیر می‌شود.
- راهکارهای دولتی در سیاست‌های تعرفه‌ای مبتنی بر بی‌ثباتی و تغییر مداوم بوده و اثرات سوء بر توسعه اقتصادی داشته است.

هر چند بر اساس معیارهای تحقیق کیفی ادعایی مبنی بر تعمیم‌پذیری این گزاره‌ها وجود ندارد اما به نظر می‌رسد دستکاری‌های اقتصادی بدون وجود یک منطق علمی مبتنی بر معیارهای علم اقتصاد و نبود ثبات سیاسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها و عدم اتخاذ یک استراتژی امروزی در جامعه در خصوص تعرفه‌گذاری کالاها به نتایج مشابهی خواهد رسید این ادعا در مقایسه نتایج حاصله با مطالعات دیگری که در این حوزه انجام شده قابل بررسی بیشتر خواهد بود.

راهکارها و پیشنهادات

- این تحقیق با بررسی ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی تعرفه‌گذاری کالا در ایران، راهکارها و پیشنهادات زیر را جهت بهره‌برداری در سازمان‌های مسئول و تصمیم‌سازان در حوزه اقتصاد تعرفه همچون گمرک ایران و وزارت صمت ارائه می‌نماید؛
- مطالعه تجربه زیسته اقتصادهای نوظهور و استفاده از الگوی‌های موفق آن کشورها.
 - برنامه‌ریزی و تصویب سیاست‌های برون‌گرایی اقتصادی مبتنی بر تعامل با قدرت‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی.
 - لزوم توجه به ثبات سیاسی داخلی و روابط خارجی مستحکم با کشورهای موثر در معادلات اقتصاد جهانی که مستلزم تغییر در الگوی سیاست و روابط کلان خارجی کشور است.
 - بازنگری سیاست‌های اقتصادی با ابتناء بر اصول علم اقتصاد و دستاوردهای آن در زمینه تجارت آزاد.
 - جایگزینی سیاست ممنوعیت واردات با سیاست توسعه صادرات صنعتی در کشور.
 - برپایی نمایشگاه‌های محصولات قابل صادرات صنعتی ایران و توجه به افزایش کیفیت و رقابت‌پذیری کالای ایرانی.
 - لزوم توجه به ثبات سیاسی و اقتصادی در تعرفه‌گذاری کالا و فراهم کردن بسترهای لازم آن در سیاست‌های کلان کشور.
 - اعزام هیأت‌ها و رایزنان بازرگانی به اقصی نقاط جهان و پذیرش متقابل آنها از سایر کشورها.
 - توسعه تجارت الکترونیک در حوزه گمرکات با محوریت توسعه خوشه‌های صادراتی و برنامه‌های توسعه اقتصادی.

- توسعه روابط و اتحادیه های گمرکی در منطقه و جهان و ایجاد و گسترش روابط متعادل با جهان امروز و یکسان سازی رویه ها و استانداردها که همگی نیازمند تحول در سیاست خارجی کشور است.
- جلوگیری از تعدد و تغییرات متوالی مقررات و ممنوعیت هایی که انگیزه تجارت مشروع در حوزه صادرات و واردات کالا را با چالش های جدی مواجه می سازد.
- تعرفه به عنوان یک ابزار حمایتی باید در محدوده استانداردهای جهانی تدوین گردد تا تولیدکنندگان داخلی تلاش برای ارتقاء کیفیت کالای خود را با بهره گیری از تکنولوژی روز در اولویت قرار دهند.
- رقابت پذیری در اقتصاد جهانی باید به عنوان یک اصل در دستور کار برنامه ریزان اقتصادی قرار گیرد و روش ها و استراتژی ها نیز برای حمایت از تولید داخل باید به این هدف معطوف گردد.

منابع

۱. ابادری، یوسف، ۱۳۹۴، مجله ایرن فردا، تهران: شماره خرداد ماه.
۲. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۹، نظریه های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه، تهران: نشر علمی.
۳. ازکیا، مصطفی، احمدرش، رشید و حسن دانش مهر، ۱۳۹۴، توسعه و مناقشات پارادایمی جدید، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
۴. ازکیا، مصطفی، ۱۳۹۳، روش های کاربردی تحقیق، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.
۵. ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰، روش های کاربردی تحقیق؛ کاربرد نظریه بنیانی، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
۶. استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۲، جهانی سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
۷. اسملسر، نیل جی، ۱۳۹۵، جامعه شناسی اقتصادی، ترجمه محسن کلاهچی، تهران: نشر کویر.
۸. بدری، نوید، ۱۳۹۰، بررسی تاثیر تعرفه های گمرکی بر روی رقابت پذیری صنعت قطعه سازی خودرو در شرکت ساپکو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
۹. بهکیش، محمد مهدی، ۱۳۹۴، نقش تعرفه در مبادلات بازرگانی ایران، سایت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی استان تهران.
۱۰. پژویان، جمشید و مجید مداح، ۱۳۸۲، بررسی اقتصادی قاچاق در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۶ شماره ۱.
۱۱. پیت، ریچارد و الن هارت ویک، ۱۳۸۹، نظریه های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: نشر لویه.
۱۲. تفضلی، فریدون، ۱۳۹۷، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
۱۳. سعدوندی، علی، ۱۳۹۶، تعرفه و حمایت از تولید داخلی، تهران: نشریه اینترنتی اقتصاد آنلاین.
۱۴. شایگان، فریده، ۱۳۸۸، حق توسعه، تهران: نشر گرایش.
۱۵. قاسمیان، عاطفه، ۱۳۹۲، مقایسه وضعیت تعرفه ای کشور های منتخب، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران.
۱۶. متوسلی، محمود، ۱۳۹۶، توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات سمت.
۱۷. محمدی، بیوک، ۱۳۸۷، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. نافزیگر، ای واین، ۱۳۹۵، توسعه اقتصادی، جلد دوم، ترجمه غلامرضا و امیر آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.
۱۹. نعمت اللهی، سمیه، ۱۳۹۰، نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
۲۰. ویلیس، کتی، ۱۳۹۳، نظریه ها و تجربه های توسعه، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پور رجب، تهران: نشر پژوهک.

1. Balassa, B. 1981. The Newly Industrializing Countries in the World Economy. New York: Pergamon Press.
2. Baldwin, Robert, E. 2003, Openness and Growth: what's the Empirical Relationship? NBER WP No. 9578. Cambridge, MA .
3. Dean, J. M. et al. 1994. "Trade Policy Reform in Developing Countries Since 1985: Review of the Evidence", World Bank Discussion Papers (267).

4. Fisman, R. Wei, S. J. 2004. Tax Rate and Tax Evasion: Evidence from "Missing Import" in China, Journal of Political of Economy, Vol.112, No.2.
5. Mishra, P.Subramanian, A.Topalova, P. 2008. Tariffs, Enforcement and Customs Evasion: Evidence from India, Journal of Public Economics, 92, 1907-1925.
6. Strauss, A & Corbian, j. 1990. Basic of Qualitative Reserch: Grounded Theory Procedures and Techniques. London: Sage.
7. Strauss, A & Corbian, j. 1998. Basic of Qualitative Reserch: Grounded Theory Procedures and Techniques. Second Edition. London: Sage .
8. www.eghtesadonline.com
9. www.saalemnews.com/news/624
10. www.irna.ir
11. www.isna.ir
12. www.tccim.ir